



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن
علیه صاب

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

مهدی موعود

علیه السلام

در احادیث نبوی

منقول از فریقین

منقول از فریقین

احادیث وارده

درباره امام زمان علیه السلام و اهل تسنن از

رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم نقل کرده اند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مهدی موعود علیه السلام در احادیث نبوی صلی الله علیه و آله و سلم منقول از فریقین

نویسنده:

محمدباقر کرم پور بهشت آبادی

ناشر چاپی:

خورشید علم

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	مهدی موعود علیه السلام در احادیث نبوی صلی الله علیه و آله و سلم منقول از فریقین
۶	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۲	فهرست مطالب
۱۳	مقدمه
۱۵	سعود اول: بشارات
۲۱	سعود دوم: نقل مختصر اهل تسنن (ترمذی - حاکم نیشابوری - قندوزی - ابن حماد)
۳۳	سعود سوم: سیره مهدی علیه السلام
۴۱	سعود چهارم: علامات خروج مهدی علیه السلام
۴۸	سعود پنجم: نقل مختصر علمای شیعه
۷۳	سعود ششم: تکمله در حدیث خلفای اثنا عشر
۸۱	سعود هفتم: کلام در حدیث شریف ثقلین
۹۸	سعود هشتم: منکر مهدی علیه السلام
۱۰۰	سعود نهم: مهدی علیه السلام غیر از خلافت و علم و امامت وارث سایر شئون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است
۱۰۳	سعود دهم: تکمله ذکر احادیث از اهل تسنن؛ (به طرق متفاوت)
۱۱۱	سعود یازدهم: استحباب زیارت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه در هر زمان و مکان
۱۱۴	سعود دوازدهم: زیارت حضرت
۱۲۳	منابع
۱۲۶	درباره مرکز

مهدی موعود علیه السلام در احادیث نبوی صلی الله علیه و آله و سلم منقول از فریقین

مشخصات کتاب

سرشناسه : کرم پور بهشت آبادی، محمدباقر، 1360-

عنوان و نام پدیدآور : مهدی موعود علیه السلام در احادیث نبوی صلی الله علیه و آله و سلم منقول از فریقین / محمدباقر کرم پور بهشت آبادی ؛ اعداد و تنظیم عده ای از طلاب و محققین [حوزه علمیه قم].

مشخصات نشر : قم: خورشید علم، 1399.

مشخصات ظاهری : 118 ص.؛ 5/14 × 5/21 س م.

شابک : 4-968881-600-978

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، 255ق. - - نظر اهل سنت

Muhammad ibn Hasan, Imam XII -- Views of Sunnites : موضوع

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، 255ق. - - احادیث اهل سنت

(Muhammad ibn Hasan, Imam XII -- Hadiths (Sunnite) : موضوع

موضوع : مهدویت-- دیدگاه اهل سنت

Mahdism-- Views of sunnites : موضوع

موضوع : مهدویت-- احادیث

Mahdism-- Hadiths : موضوع

شناسه افزوده : حوزه علمیه قم

شناسه افزوده : Hozeh Elmiyeh Qom

رده بندی کنگره : BP224

رده بندی دیویی : 297/462

شماره کتابشناسی ملی : 7432870

وضعیت رکورد : فیا

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

زيارت امام زمان عليه السلام

در حرم امام على بن موسى عليهما السلام

السلام عليك

يا صاحب الزمان

السلام عليك

يا خليفه الرحمان

السلام عليك

يا شريك القران

السلام عليك

يا قاطع البرهان

السلام عليك

يا امام الإنس و الجآن

السلام عليك و على ابائك الطيبين

و أجدادك الطاهرين المعصومين

و رحمه الله و بركاته

صحيفه مهديه ؛ ص 606

ضياء الصالحين: 243، ملحقات التحفه الطوسيه: 140

اين جهد مبارك تكريم مقام شامخ روحانيت جليل

كهگيلويه و بهبهان

عابد زاهد و دلسوخته امام عصر عليه السلام

شيخ محمد جعفر فقيهى بهبهانى عليه الرحمه

است که مروج و حافظ شریعت سیدالمرسلین صلی الله علیه و آله و سلم، صاحب کرامت و مأمونی برای مظلومین و خاری در چشم
طاغیان و یاغیان بود

ص: 3

مهدی موعود علیه السلام در احادیث نبوی صلی الله علیه و اله و سلم منقول از فریقین

محمدباقر کرم پوربهشت آبادی

اعداد و تنظیم عده ای از طلاب و محققین [حوزه علمیه قم].

ص: 4

سعود اول: بشارات 8

سعود دوم: نقل مختصر اهل تسنن (ترمذی - حاکم نیشابوری - قندوزی - ابن حماد) 14

سعود سوم: سیره مهدی علیه السلام 26

سعود چهارم: علامات خروج مهدی علیه السلام 34

سعود پنجم: نقل مختصر علمای شیعه؛ شیخ صدوق - علامه مجلسی - میرلوحی 40

سعود ششم: تکمله در حدیث خلفای اثنا عشر 66

سعود هفتم: کلام در حدیث شریف ثقلین 75

سعود هشتم: منکر مهدی علیه السلام نستجیر بالله - کافر است 91

سعود نهم: مهدی علیه السلام غیر از خلافت و علم و امامت وارث سایر شئون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است 92

سعود دهم: ذکر سایر احادیث از سنن ابن ماجه و اهل تسنن 96

سعود یازدهم: استحباب زیارت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه در هر زمان و مکان 104

سعود دوازدهم: زیارت حضرت 107

منابع 116

ص: 5

اعتقاد به مهدی موعود و منجی علیه السلام در همه ادیان وارد شده است؛ اگر چه احادیث نبوی صلی الله علیه و آله و سلم، کما این که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خود فرمود و محدثین نیز روایت کرده اند و نیز در مباحث رجال شرح داده شد به علت وضع و جعل حدیث نیاز به احراز صحت اسناد دارد و لذا مضامینی که مکرر از ائمه معصوم علیهم السلام ذکر شده است جای تردید نمی گذارد؛

از آن جا که عصاره و غایت اهداف انبیاء و اولیاء و معصومین علیهم السلام توسط امام مهدی علیه السلام عملی می شود و ذکر و یاد آن بزرگواران موجب روشنی دل و مواسات با حضرتش و نیز مایه امید برای شیعیان است لازم است همه ابعاد و شئون حضرت معرفی شود؛

بررسی موضوعات خاص برای اطلاع و آگاهی و نیز تحصیل معارف عمیق تر در زمینه مهدویت علیه السلام که وظیفه همه شیعیان است و باید سرلوحه و دغدغه جدی تمام منتظران باشد ضروری است؛

اخبار و احادیثی که از زبان علمای مخالفین شیعه و عامه و اهل خلاف در کتب و مصادر خود نسبت به مهدی علیه السلام نقل کرده و ذکر کرده اند که اولاً مهدی علیه السلام از اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و دوم از نسل فاطمه زهرا سلام الله علیها و امام حسین علیه السلام است و سوم حی و زنده است و چهارم این که ظهور و خروج حضرت حتمی و تخلف ناپذیر است و پنجم این که دنیا را پر از عدل و داد و قسط می نماید؛ که ذکر شد و اما برخی از احادیث

ص: 7

که از لسان مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است برای تبرک و تیمن نقل می شود؛

سعود اول: بشارات

در کتاب دلائل الإمامه آمده است:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): أَبَشِّرُوا بِالْمَهْدِيِّ، فَإِنَّهُ يَأْتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ عَلَى شِدَّةٍ وَزَلْزَلٍ، يَسْعُ اللَّهُ لَهُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: بشارت دهید به مهدی علیه السلام؛ که او در آخرالزمان در هنگام شدت و اضطراب خواهد آمد و زمین را از عدل و داد پر می کند؛

و نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در بیانی دیگر می فرماید؛ 1755 سیاتی علی امتی زمان یکثر فیہ الفقراء و یقل الفقهاء و یقبض العلم و یکثر الهرج ثم یأتی

ص: 8

من بعد ذلك زمان يقرأ القرآن رجال من أمتي لا- يجاوز تراقيهم ثم يأتي من بعد ذلك زمان يجادل المشرك بالله المؤمن في مثل ما يقول. (1)

بر امت من زمانی بیاید که فقیران فراوان شوند و فقیهان کم شوند و علم بر گرفته شود و آشوب فزونی گیرد آنگاه از پس آن زمانی بیاید که مردانی از امت من قرآن خوانند که از گلویشان بالاتر نرود آن گاه از پس آن زمانی بیاید که مشرک به خدا با مؤمن مجادله کند و سخنانی نظیر او گوید.

علامه قندوزی در ینابیع الموده (ینابیع الموده لذوی القربی؛

الباب الثالث و التسعون فی ذکر خلیفه النبی صلی الله علیه و آله و سلم مع أوصیائه (سلام الله علیهم) (2) و نیز

ص: 9

1- نهج الفصاحه ص 527

2- ینابیع الموده - ج 3 ؛ ص 377

از علمای عامه نقل می کند که

ابوالموید موفق بن احمد اخطب الخطباء خوارزمی در مناقب به سند خود نقل می نماید از ابو سلیمان راعی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) که گفت شنیدم از آن حضرت که می فرمود؛

و منها ما رواه القوم:

منهم العلامة الشيخ سليمان البلخي القندوزي المتوفى سنة 1293 في كتابه «ينابيع الموده» (ج 3 ص 160 ط مطبعه العرفان بيروت) قال: أخرج أبو المؤيد موفق بن أحمد الخوارزمي بسنده عن أبي سليمان راعی رسول الله قال سمعت رسول الله صلى الله عليه و-آله-سلم يقول

ص: 10

ليله اسرى بى الى السماء قال لى الجليل جل جلاله (آمن الرسول بما أنزل إليه من ربه) فقلت (و المؤمنون) قال صدقت قال يا محمد إني اطلعت الى أهل الأرض اطلاعه فاخترتك منهم فشقت لك اسما من أسمائي فلا اذكر فى موضع الا ذكرت معى فأنا المحمود و أنت محمد، ثم اطلعت الثانيه فاخترت منهم عليا فسميته باسمى يا محمد خلقتك و خلقت عليا و فاطمه و الحسن و الحسين و الأئمه من ولد الحسين من نورى و عرضت ولايتكم على أهل السماوات و الأرض فمن قبلها كان عندى من المؤمنين و من جحدها كان عندى من الكافرين.

يا محمد لو أن عبدا من عبدي عبدنى حتى ينقطع او يصير كالشن البالى ثم جاءنى جاحدا لولايتكم ما غفرت له يا محمد تحب أن تراهم؟

قلت نعم يا رب قال لي انظر الى يمين العرش فنظرت فإذا علي وفاطمة والحسن والحسين وعلي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلي بن موسى ومحمد بن علي وعلي ابن محمد والحسن بن علي ومحمد المهدي بن الحسن كانه كوكب درى بينهم وقال يا محمد هؤلاء حججى على عبادى وهم أوصياؤك والمهدى منهم الثائر من قاتل عترتك وعزتى وجلالى انه المنتقم من أعدائى والممد لأوليائى ايضا أخرجه الحموينى.

در شب معراج خدای متعال به من وحى فرمود که یا محمد؛

نظر کردم به سوی اهل زمین و تورا از میان ایشان برگزیدم و نامی از نام های خود برای تو جدا کردم؛ یاد

ص: 12

نشوم در جایی مگر آنکه تو با من یاد شوی؛ من محمودم و تو محمد(صلی الله علیه و آله و سلم)؛

بعد از تو علی را از میان اهل زمین برگزیدم و نامی از نام های خود را برای او جدا کردم منم اعلی و اوست علی (علیه السلام)؛

یا محمد تو و علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان از اولاد حسین علیهم السلام را آفریدم از نور خود و ولایت شما را بر آسمان ها و زمین ها عرضه کردم؛

پس هر کس قبول کرد از مومنان است و هر کس انکار کرد از کافران است یا محمد می خواهی ایشان را ببینی عرض کرد؛ بلی خطاب فرمود؛

انظر الی یمین العرش فنظرت فاذا علی و الحسن و الحسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن

ص: 13

علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و محمد المهدی ابن الحسن کانه کوکب دری بینهم

نظر کن بطرف راست عرش چون نظر کردم دیدم دوازده نفر اوصیاء خود را

و اسم های آن ها را یک یک بیان نمود تا آن که فرمود؛

محمد مهدی فرزند حسن در میان آنها مانند کوکب دری و ستاره درخشان بود؛

آن گاه خطاب الهی رسید؛

یا محمد هولاء حججی علی عبادی و هم اوصیاءوک؛

این ها حجت های منند بر بندگان من و اوصیاء تو هستند؛

سعود دوم: نقل مختصر اهل تسنن (ترمذی - حاکم نیشابوری - قندوزی - ابن حماد)

**سعود دوم؛ نقل ترمذی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم؛ در کتاب (سنن ترمذی، أبواب الفتن عن

رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم)، باب ما جاء في المهدى، ج3 ص343 ح2331) نقل شده است؛

حدثنا عبيد بن أسباط بن محمد القرشي، أخبرنا أبي أخبرنا سفيان الثوري عن عصام بن بهدله عن زر عن عبد الله قال :
(قال رسول الله صلى الله عليه وآله-سلم لا تذهب الدنيا حتى يملك العرب رجل من أهل بيتي يواطئ اسمه اسمي).

وفى الباب عن علي و أبي سعيد و أم سلمه و أبي هريره، هذا حديث صحيح؛

رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود؛

دنیا به نهایت نمی رسد تا این که مردی از اهل بیت من که اسم او اسم من است مالک عرب می شود؛

ص: 15

****** حدیث دیگر از سنن ترمذی؛ باز در کتاب (سنن ترمذی، أبواب الفتن عن رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)، باب ما جاء فی المهدی، ج3 ص343 ح2332) نقل شده است؛

حدثنا عبد الجبار بن العلاء العطار ، أخبرنا سفیان بن عیینة عن عاصم عن زر عن عبد الله عن النبی صلی الله علیه و-آله-سلم قال :

(یلی رجل من أهل بیتی یواطئ اسمه اسمی) ، قال عاصم : أخبرنا أبو صالح عن أبي هریره ، قال لو لم یبق من الدنیا إلا یوما لطول الله ذلك الیوم حتی بلی . هذا حدیث حسن صحیح

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود؛

مردی از اهل بیت من برانگیخته می شود که همانام من است؛

ص: 16

** حديث دیگر از سنن ترمذی؛ باز در (سنن ترمذی، أبواب الفتن عن رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم)، باب ما جاء فى المهدي، ج3 ص343 ح2333) نقل شده است؛

حدثنا محمد بن بشار، حدثنا محمد بن جعفر، أخبرنا شعبه قال سمعت زيدا العمى، قال سمعت أبا الصديق الناجي يحدث عن أبي سعيد الخدري قال :

خشينا أن يكون بعد نبينا حدث فسالنا نبى الله صلى الله عليه وآله-سلم فقال إن فى أمتى المهدي يخرج يعيش خمسا أو سبعا أو تسعا - زيد الشاك - قال قلنا و ما ذاك . قال : سنين ، قال :

فيجئ إليه الرجل فيقول يا مهدي أعطني أعطني ، قال فيحشى له فى ثوبه ما استطاع أن يحمله) هذا حديث حسن

ص: 17

ابوسعید خدری گوید از وقوع فتنه بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هراس داشتیم؛

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در این باره سوال کردیم؛ فرمود؛ در امت من مهدی علیه السلام خواهد بود که بعد از خروج پنج یا هفت یا نه سال خواهد بود (اخبار متفاوت و مشهور هفت سال است به سال های بعد از ظهور که هر سال معادل ده سال است)

و نیز سائل از مهدی علیه السلام درخواست می کند؛ حضرت از شدت بخشش و عطای خود او را مستغنی می نماید؛

وقد روی من غیر وجه عن أبي سعيد عن النبي صلى الله عليه و-آله-سلم وأبو الصديق الناجي اسمه بكر بن عمرو، ويقال بكر بن قيس

** حدیث دیگر از حاکم نیشابوری؛

ص: 18

در کتاب (حاکم نیشابوری، مستدرک علی الصحیحین، ج4ص465) نقل شده است؛

اخبرنی الحسين بن علی بن محمد بن یحیی التمیمی انباً أبو محمد الحسن بن ابراهیم بن حیدر الحمیری بالكوفه ثنا القاسم بن خلیفه ثنا أبو یحیی عبد الحمید بن عبد الرحمن الحماني ثنا عمر بن عیید الله العدوی عن معاویه بن قره عن ابی الصدیق الناجی عن ابی سعید الخدری رضی الله عنه قال قال نبی الله صلی الله علیه وآله؛

ینزل بامتی فی آخر الزمان بلاء شدید من سلطانهم لم یسمع بلاء اشد منه حتی تضیق عنهم الارض الرجبه وحتى یملا الارض جوراً و ظلماً

لا یجد المؤمن ملجأً یتجى إلیه من الظلم فیبعث الله عزوجل رجلاً من عترتی یملا الارض قسطاً وعدلاً كما

ص: 19

ملئت ظلما و جورا یرضی عنه ساکن السماء و ساکن الارض

در آخر الزمان بر امت من بلای شدیدی از سلاطین نازل می شود که بلایی شدیدتر از آن شنیده نشده است؛

تا این که زمین با همه وسعت بر آنان تنگ می شود؛ و مومن هیچ پناهی نمی یابد که از ظلم به آن پناه ببرد؛

در این حال خداوند مردی از اهل بیت من علیهم السلام را ظاهر می کند که زمین را پر از عدل و داد می کند آن گونه که پر از ظلم و جور بوده است تا این که همه اهل آسمان و اهل زمین از او راضی خواهند شد؛

لا تدخر الارض من بذرها شیئا الا اخرجته ولا السماء من قطرها شیئا الا صبه الله علیهم مدرارا یعیش فیهم سبع سنین أو ثمان أو تسع
تتمنی الا حیاء الاموات مما صنع

ص: 20

الله عزوجل باهل الارض من خيره . هذا حديث صحيح الاسناد ولم يخرجاه

** و در ینابیع الموده نقل می کند که این عباس مرفوعاً از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که فرمود؛ (و فيه: عن عبايه بن ربعي عن ابن عباس رفعه:) أنا سيد النبيين و علي سيد الوصيين، و ان أوصيائي بعدى اثنا عشر، أولهم علي و آخرهم المهدي.

من سيد انبياء و علي سيد اوصياء است؛ و اوصياء بعد از من دوازده نفر هستند؛ اولین ایشان علی بن ابی طالب علیهما السلام و آخرین آن ها مهدی علیه السلام است؛

** نقل ابن حماد در فتن؛

در فتن این حماد نقل شده است؛(1)

-(2)- حدثنا محمد بن فضيل، و عبد الله بن إدريس، و جرير عن يزيد بن أبي

ص: 21

1- الفتن ابن حماد؛ ص 213

2- (852)- إسناده ضعيف. أخرجه أبو عمرو والداني (546/5)، و ابن أبي عاصم في السنه (633/2). أخرجه ابن ماجه (4082)، و البزار (246/1)، و ابن أبي شيبه في مصنفه (527/7) عن يزيد بن أبي زياد- به. و يزيد هو الكوفي: ضعيف. و تابعه الحكم عن إبراهيم- به. أخرجه الطبراني (85/10)، و الحاكم (464/4).

زیاد عن إبراهيم عن علقمه عن عبد الله رضى الله عنه قال: بينما نحن عند رسول الله صلى الله عليه وآله-سلم إذ جاء فتية من بنى هاشم، فتغير لونه، فقلنا: يا رسول الله ما نزل، نرى في وجهك شيئا نكرهه؟

علقمه گوید خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودیم که عده ای جوانان بنی هاشم وارد شدند؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رنگ مبارک شان تغییر نمود؛

عرض کردیم؛ چه اتفاقی افتاده که در صورت مبارک شما ناراحتی و کراهت پیدا شده است؛ فقال: «إنا أهل بيت اختار الله لنا الآخرة على الدنيا، وإن أهل بيتي

ص: 22

هؤلاء سيلقون بعدى بلاء و تطريدا و تشريدا حتى يأتى قوم من هاهنا، من نحو المشرق أصحاب رايات سود، يسلون الحق فلا يعطونه مرتين
أو ثلاثا

فيقاتلون فينصرون فيعطون ما سألوا، فلا يقبلوها حتى يدفعوها إلى رجل من أهل بيتي، فيملوها عدلا كما ملوها ظلما، فمن أدرك ذلك
منكم فليأتهم و لو حبوا على الثلج، فإنه المهدي»

رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم فرمود؛

ما اهل بيتي هستيم که خداوند آخرت را برای ما بر دنیا برگزید و این اهل بيت من بعد از من به بلا و هجران و آواره شدن مبتلا می شوند؛ تا
این که قومی از مشرق که صاحب بیرق ها و پرچم های سیاه هستند خروج کنند؛

حق را طلب می کنند و به آن ها نمی دهند و دوباره و سه باره این اتفاق می افتد؛

ص: 23

پس جنگ می کنند و پیروز می شوند و آن چه در طلبش هستند به آنان داده می شود؛ لکن این بار آن را نمی خواهند تا این که بیرق خود را به مردی از اهل بیت من تحویل دهند؛

وزمین را پر از عدل و داد می کند آن گونه که پر از ظلم و جور شده بود؛

پس اگر کسی آن روز را درک کرد باید خود را به او - مردی از اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم - برساند ولو این که بر برف راه رود و بداند او مهدی علیه السلام است؛

**** نقل ابن حماد در فتن؛**

ابن حماد در فتن نقل می کند؛(1)-

(2)- حدثنا محمد بن مروان عن عماره بن أبي حفصه عن زيد العمى عن أبي

ص: 24

1- الفتن ابن حماد؛ ص 253

2- (992)- إسناده ضعيف. (مکرر ذکر شد مبانی رجالی اهل تسنن با مبانی شیعه متفاوت است و خبری که از طریق برخی اهل تسنن ضعیف شمرده شود لزوماً به این معنی نیست که خبر واقعاً ضعیف باشد و نیز نقل حدیث و اثبات صحت آن نیز به معنی صحت آن به حسب واقع نیست؛ بلکه در رجال مکرر بحث کردیم که برخی مبانی رجالی اهل تسنن صرف ادعا و بدون پشتوانه است؛ آنچه ابن ماجه (4083)، و الحاکم (558/4)، و أبو عمرو (550/5) عن محمد بن مروان- به. فیه: زید بن الحواری العمی: ضعیف.

الصدیق عن أبی سعید الخدری رضی الله عنه عن النبی صلی الله علیه و-آله-سلم قال:

«تنعم أمتی فی زمن المهدی نعمه لم ینعموا مثلها قط، ترسل السماء علیهم مدرارا، و لا تزرع الأرض شیئا من النبات إلا أخرجته، و المال کدوس یقوم الرجل فیقول: یا مهدی أعطنی فیقول خذ». .

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود؛

امت من در زمان مهدی علیه السلام متنعم خواهند شد به نعماتی که مثل آن را ندیده باشند؛

آسمان بر آن ها همواره باران می بارد و هیچ نباتی در زمین کشت نمی شود الا این که ثمر می دهد؛

ص: 25

و اموال فراوان خواهد بود که سائل از مهدی علیه السلام مال طلب می کند و او می فرماید آن چه خواهی بردار؛

سعود سوم: سیره مهدی علیه السلام

نقل مقدسی شافعی در عقد الدرر؛

در باب سیره مهدی علیه اسلام نقل می کند؛⁽¹⁾

الباب الثالث فی عدله و حلّيته

عن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه، قال: قال رسول الله صلى الله عليه و-آله-سلم:

«المهدي مني؛ أجلى الجبهه، أفنى الأنف يملأ الأرض قسطاً و عدلاً، كما ملئت ظلماً و جوراً، يملك سبع سنين».

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود؛ مهدی علیه السلام از من است؛ که دارای بینی کشیده است؛

ص: 26

1- عقد الدرر فی أخبار؛ ص 57

زمین را پر از عدل و داد می کند آن گونه که از ظلم و جور پر شده بود و هفت سال حکومت می کند؛

أخرجه الإمام أبو داود في «سننه» (كتاب المهدي)

و الحافظ أبو عبد الرحمن النسائي في «سننه»

و الحافظ أبو بكر البيهقي في «البعث و النشور».

و به نقل دیگر این گونه روایت نموده است؛

و عن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه، عن النبي صلى الله عليه و-آله-سلم، أنه قال:

«المهدي منا أهل البيت، رجل من أمتي، أشم الأنف، يملأ الأرض عدلاً، كما ملئت جوراً».

الا این که فرمود بینی کشیده و مستوی الخلقه دارد؛

أخرجه الحافظ أبو نعيم في «صفة المهدي». [و عن إبراهيم بن ميسره، قال: قلت لطاووس: عمر بن عبد

العزیز المہدی ہو؟ قال: لا، إنه لم یتکمل العدل کله. أخرجه الحافظ أبو عبد الله نعیم بن حماد

و این که در برخی اخبار آمده که ادعا کردند مثل بنی امیه که مهدی از ماست و عمر بن عبدالعزیز است ضمن این که خود محدثین عامه آن را رد نمودند که او که خود غاصب خلافت است؛

لکن در اخبار است که مهدی علیه السلام از نسل فاطمه سلام الله علیها و امیرالمومنین علیه السلام و از نسل رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و دیگران نتوانسته و نمی تواند تمام عدل و همه آن را جاری نمایند یا این که مهدیون ثلاث و سه گانه را بر شمردند که یکی از آن ها مهدی علیه السلام از اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و قطعا دو نفر دیگر

ص: 28

نیستند و اخبار و احادیثی که عامه نقل می کنند بر هر سه مهدی تطبیق دارد باطل است؛

یعنی اصل اخبار درست است لکن برخی از آن ها در تطبیق و تعیین مصداق به خطا رفتند و مهدی علیه السلام منصرف به همین مهدی علیه السلام از نسل رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دارد صرف هم نامی با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بدون داشتن سایر معرفه ها و خصوصیات نمی تواند ادعایی را اثبات نماید؛

یا مثل این احادیث و مضامین مشابه آن که خود عامه نقل می کنند؛

مثلا در فتن ابن حماد نقل می کند که؛(1)(2)- حدثنا الوليد قال: سمعت رجلا يحدث قوما فقال: المهديون ثلاثة:

ص: 29

1- الفتن ابن حماد؛ ص 253

2- (988)- إسناده ضعيف. أورده السيوطي في الحاوي (78/2) و نسبه للمصنف. فيه مجهول و هو شيخ الوليد بن مسلم.

مهدی الخیر؛ و هو عمر بن عبد العزیز، و مهدی الدم؛ و هو الذی تسکن علیه الدماء، و مهدی الدین عیسی ابن مریم علیه السلام تسلّم
أمتہ فی زمانہ.

مهدی ها سه نفرند؛ مهدی خیر که عمر بن عبدالعزیز است و مهدی دم که خون ها توسط او ساکن می شود (خونخواه است) و مهدی
دین که عیسی بن مریم است؛

واضح است که خود عامه نقل کردند که عیسی بن مریم پشت سر مهدی علیه السلام نماز می خواند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و
سلم این مطلب را به تصریح فرمود؛

و نیز خود عامه کما این که در خبر قبل گذشت قائلند عمر بن عبدالعزیز عدل کامل را اجرا نکرد؛ طبق قول و ادعا و اعتراف عامه و الا
غاصب خلافت بالاترین ظلم

ص: 30

ممکن را مرتکب است - و احادیث متعدد ذکر کردیم که مهدی علیه السلام از نسل فاطمه سلام الله علیها است؛

و همین جواب در جواب بنی عباس است که آن ها نیز ادعا می کنند مهدی از ماست؛

نکته دیگر این که اخبار متعدد است که مهدی علیه السلام بعد از خسف در بیدار است لذا نه ادعای بنی عباس اول درست است و نه ادعای بنی امیه بر عمر بن عبدالعزیز؛

زیرا طبق اخبار مذکور این ها هر دو قبل از خسف بودند و هنوز خسفی واقع نشده است؛

و اگر مراد از مهدی همان عیسی علیه السلام باشد باز در احادیث مکرر وارد است که عیسی علیه السلام خلف مهدی علیه السلام نماز می خواند و قطعاً مفضول است نه فاضل و افضل؛ لذا مهدی الخیر نمی تواند مفضول

ص: 31

باشد و به کس دیگر اقتدا نماید؛ و این افضلیت از اخبار و کلام اهل بیت علیهم السلام فهم می شود؛ و نیز؛

(* قال الولید: بلغنی عن کعب أنه قال: مهدی الخیر یخرج بعد السفیانی (1).

و باز در فتن نقل می کند که مهدی الخیر بعد از سفیانی است؛ در حالی که خبر قبل می گفت مهدی الخیر عمر بن عبدالعزیز است که چند قرن قبل از دنیا رفته است و هنوز سفیانی اول و دوم خروج نکردند؛

لذا این افراد یا می دانند مهدی الخیر کدام مهدی است و کتمان می کنند و یا این که به احتمال ضعیف علم کافی ندارند؛

و نکته دیگر این که خود معترف اند که عمر بن عبدالعزیز خلفه غاصب اموی - طبق مبنای عامه - که

ص: 32

1- فیه انقطاع بین الولید بن مسلم و کعب (مصحح فتن).

اورا عادل می دانند همه عدل را جاری نکرده است در حالی که لفظ و فقره این عبارت؛ که فرمودند یملاً الارض قسطاً و عدلاً یا یملاًها قسطاً و عدلاً در احادیث متعدد وارد شده و متواتر و فوق تواتر است که عدل و قسط کامل اجرا می شود؛

و این تنها از خصوصیات مهدی علیه السلام است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وعده داده و فرموده از نسل من و از اهل بیت من است؛

و استناد به فقره اهل بیت برای تمسک بنی عباس و افزودن این مورد که اسم او اسم من است و اسم پدرش اسم پدرش نادرست است زیرا فقره نام پدرش هم نام پدر من است وجه روشن ندارد و صرف ادعا است؛

بلکه آن چه وارد شده این است که مهدی علیه السلام از نسل من است و نام او نام من است؛

ص: 33

و گرچه امر واضح است لکن باز در همین فتن ابن حماد نقل می کند در باب؛

سعود چهارم: علامات خروج مهدی علیه السلام

42- باب آخر من علامات المهدی فی خروجه- حدثنا ابن وهب عن ابن لهيعة عن فلان المعافری سمع أبا فراس سمع عبد الله بن عمرو يقول: إذا خسف بجيش بالبيداء فهو علامه خروج المهدی

که از خود عبدالله بن عمر که از مهم ترین روای عامه در مدینه است به سماع شنیده است که وقتی خسف بیداء واقع شود علامت خروج مهدی علیه السلام است که به لحاظ زمان با سایر مدعیان نمی سازد و تنها بر مهدی علیه السلام که موعود کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است تطابق دارد؛ [

** نقل مقدسی شافعی در عقد الدرر؛

ص: 34

و عن حذیفه بن الیمان رضی اللہ عنہ، قال: قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ و-آلہ-سلم: «المہدی رجل من ولدی، وجہہ کالکوکب الدرّی؛ اللون عربی، و الجسم جسم اسرائیلی، یملاً-الأرض عدلاً، کما ملئت جوراً، یرضی فی خلافتہ أهل الأرض و أهل السماء، و الطیر فی الجوّ، یملک عشرين سنه».

مہدی علیہ السلام مردی از فرزندان من است - کہ از فرزند و نسل من اخص از اهل بیت است - و صورتش مثل ستاره درخشان است؛ رنگ او عربی و جسم او اسرائیلی است؛

زمین را پر از عدل و داد می کند آن گونه کہ پر از ظلم و جور بود و در خلافتش اهل آسمان و زمین همه و نیز پرندگان در آسمان راضی خواهند شد و بیست سال حکومت دارد؛

ص: 35

أخرجه الحافظ أبو نعیم فی «مناقب المهدي»

و أخرجه الحافظ أبو القاسم الطبرانی فی «معجمه».

که فرمود؛

اولا مهدی علیه السلام همه زمین و تمام آن - به حسب مکان و افراد - را پر از عدل و داد می کند؛ یعنی اقتضای عدل جهانی را دارد و توان اجرای آن را نیز دارد؛

و دوم این که در زمان خلافتش همه اهل زمین و آسمان راضی خواهند شد و این اختصاصی دولت مهدی علیه السلام است؛

زیرا با هر تغییر و هر پرچم و علم و بیرق و دولت و حکومتی که بیاید و دیگری برود علی القاعده عده ای راضی و متنعم شده و عده ای کنار می روند اما تنها دولتی که این اقتضا و توان را دارد که براساس موازین

ص: 36

شرعی و اقتضای احکام اسلام و وجود نیروی لازم و اعوان و انصار صالح این امر را به حسب واقع محقق کند به این کیفیت که اگر کسی بخواهد به کمال و سعادت برسد همه زمینه ها برای او فراهم و مساعد و هر مشکلی دارای چاره و راه و هر گرهی باز شده و هر مجهولی جواب داده شده و هر علمی شکافته شده و هر بیماری و علتی از بین برود و سعادت دین و دنیا و آخرت را به بشر هدیه نماید و زمینه رضایت همه اهل آسمان و زمین فراهم شود طبق تصریح اخبار منحصر در دولت مهدی علیه السلام است؛

و شیخ محمود عراقی در دارالسلام نقل می کند که؛⁽¹⁾

و اما اخبار نبویه داله بر امامت مهدی علیه السلام، بدون تصریح بر اینکه از اولاد بلاواسطه عسگری علیه السلام

ص: 37

1- دارالسلام در احوالات ... ؛ ص 52

بوده باشد، پس بی حد و شمار [است.] و در نزد اهل سنت هم این مضمون محل انکار نباشد. زیرا که جمیع فرق اسلام در وقوع بشارت به مهدی خلافتی ندارند و اخبار ایشان در این باب متواتر است. و خلافتی که دارند در وقت ولادت و تعیین پدر و مادر آن بزرگوار است. و اخبار معتبره وارده در کتب معتبره ایشان در این باب بسیار و فوق حصر و شمار است.

مثل آنکه روایت کرده اند در جمع بین صحابه سته (1)، از ابو سعید خدری که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی علیه السلام از من، روشن پیشانی، کشیده بینی، زمین را پر از عدل کند، پس از آن که پر از جور باشد.

ص: 38

1- (3). کتاب مذکور در کتابخانه های معروف قم پیدا نشد و لذا برای حدیث از منابع دیگر آدرس داده شد. (هامش کتاب دارالسلام)

هفت سال سلطنت» و در روایت دیگر «نه سال سلطنت کند»⁽¹⁾.

سید جلیل نعمه الله جزائری رحمه الله می گوید:

در کتاب کشف المخفی فی مناقب المهدی علیه السلام، یکصد و ده حدیث یافتیم، از طرق رجال چهار مذهب- یعنی مذهب حنفی و مالکی و حنبلی و شافعی- و ترک کردم نقل این طریقهها را به جهت اختصار. و اما کتاب هایی که این اخبار از آنها نقل شده این است:

از صحیح بخاری، سه حدیث؛ از جمع بین صحاح سته- که کتاب رزین بن معاویه عبدي است- یازده حدیث؛ و از کتاب حافظ در مسند حنبل هفت حدیث؛ از کتاب حافظ در مسند علی بن ابی طالب علیه السلام سه حدیث؛ از کتاب فردوس شیرویه دیلمی چهار حدیث؛ از

ص: 39

1- (4). سنن ابی داوود، ج 4، ص 107؛ کتاب، ح ش 4285.

کتاب دارقطنی در مسند سیده النساء فاطمه علیها السلام شش حدیث؛ از کتاب مبتدای کسائی دو حدیث؛ از کتاب مصابیح ابی محمد حسین بن مسعود فراء پنج حدیث؛ از کتاب ملاحم احمد بن جعفر مناری سی و چهار حدیث؛ از کتاب حضر می سه حدیث؛ از کتاب دعایه لاهل الروایه سه حدیث؛ از کتاب استیعاب ابی عمر یوسف بن عبد البر نمیری دو حدیث.

و این اخبار با وجود کثرت آنها، متضمن ذکر خلق و ولادت و احوال آن حضرت می باشند به طریق تفصیل (1).

علامه مجلسی در بحار نقل کرده از علی بن عیسی در کتاب کشف الغمه که او گفته، چهل حدیث در ذکر المهدی علیه السلام که حافظ ابو نعیم آنها را جمع کرده

ص: 40

1- انوار نعمانیه، ج 2، ص 3،

به نظرم رسید، به ترتیبی که او ذکر کرده ایراد نمودم و اکتفا کردم.

سعود پنجم: نقل مختصر علمای شیعه

نقل میر لوحی در کفایه المهتدی؛ (1) در کتاب کفایه المهتدی؛ الحدیث الثالث عشر [از فضل بن شاذان، از علی بن الحکم، از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: ذکر نام های ائمه تا حضرت مهدی علیهم السلام] نقل می کند؛

قال ابن شاذان - علیه الرحمه و الغفران: حدثنا علی بن الحکم رضی الله عنه، عن جعفر بن سلیمان الضبعی، عن سعد بن ظریف، عن الأصبع بن نباته، عن سلمان الفارسی - رضوان الله علیه، قال: خطبنا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فقال:

ص: 41

1- کفایه المهتدی ...؛ ص 491

معاشر الناس! إني راحل عن قريب، و منطلق إلى المغيب، اوصيكم في عترتي خيرا، و إياكم و البدع، فان كل بدعه ضلاله، و لا محاله أهلها في النار، معاشر الناس! من فقد الشمس فليستمسك بالقمر، و من فقد القمر فليستمسك بالفرقدين، فإذا فقدتم الفرقدين فتمسكوا بالنجوم الزاهره بعدى، أقول لكم فاعلموا أن قولى قول الله، فلا- تخالفوه فيما أمركم به، و الله يعلم أنى بلغت إليكم ما أمرنى به، فاشهد الله على و عليكم، قال: فلما نزل عن المنبر، تبعته حتى دخل بيت عايشه، فدخلت عليه و قلت:

بأبى أنت و امى! يا رسول الله! سمعتك تقول:

إذا فقدتم الشمس فتمسكوا بالقمر، و إذا فقدتم القمر فتمسكوا بالفرقدين، و إذا فقدتم الفرقدين فتمسكوا بالنجوم، فقد ظننت أن يكون فى هذا الإبانة إشاره، قال صلى الله عليه و آله و سلم: قد أصبت يا سلمان! فقلت:

ص: 42

بين لى يا رسول الله! ما الشمس و القمر؟ و ما الفرقدان و ما النجوم الزاهره؟

فقال: أنا الشمس و على القمر، فإذا فقد تموتى فتمسكوا به بعدى، و أما الفرقدان فالحسن و الحسين، إذا فقدتم القمر فتمسكوا بهما، و أما النجوم الزاهره فهم الائمة التسعه من صلب الحسين، و التاسع مهديهم، ثم قال صلى الله عليه و آله و سلم: إنهم هم الأوصياء و الخلفاء بعدى، أئمة أبرار، عدد أسباط يعقوب، و حوارى عيسى، فقلت: فسمهم لى يا رسول الله!

قال صلى الله عليه و آله و سلم:

أولهم و سيدهم على بن أبى طالب، و بعده سبطاى الحسن و الحسين، و بعدهما على بن الحسين زين العابدين، و بعده محمد بن على باقر علم النبيين، و بعده الصادق جعفر بن محمد، و بعده الكاظم موسى بن جعفر،

ص: 43

وبعدہ الرضا علی بن موسیٰ، الذی یقتل بأرض الغربہ، ثم ابنہ محمد، ثم ابنہ علی، ثم ابنہ الحسن، ثم ابنہ الحججہ القائم، المنتظر فی غیبتہ، المطاع فی ظہورہ، فإنہم عترتی من لحمی ودمی، علمہم علمی، و حکمہم حکمی، من آذانی فیہم فلا۔ أنا لہ اللہ شفاعتی. کہ روایت بسیار نفیسی است؛

ترجمہ [حدیث سیزدہم]:

سلمان فارسی - علیہ الرحمہ - گفت کہ: خطبہ خواند بر ما رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم و فرمود: ای گروہ مردمان! من رحلت کنندہ ام عن قریب، و روانہ شونده ام بہ مغیب، وصیت می کنم شما را دربارہ عترت خود کہ نیکویی کنید با عترت من، و پرهیزید از بدعت، بہ درستی کہ ہر بدعتی ضلالت است و لا محالہ اہل ضلالت، در جہنم اند

ص: 44

ای گروه مردمان! هر کس نبیند آفتاب را، می باید چنگ درزند و متمسک شود به ماه، و هر کس گم کند و نیابد ماه را می باید که متمسک شود به فرقدین، پس هرگاه گم کنید و نیابید فرقدین را، پس چنگ درزنید و متمسک شوید به ستاره های روشن بعد از من، می گویم مر شما را پس بدانید که قول من قول خداست، پس مخالفت مورزید با خدا در آنچه امر کرد شما را به آن، و خدا می داند که من رسانیدم به شما آن چیزی را که امر کرد به آن مرا، و شاهد می گیرم خدای را بر خود و شما، سلمان گفت که: چون پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم از منبر به زیر آمد، از پی او رفتم تا داخل خانه عایشه شد، پس من در آمدم و گفتم:

پدر و مادرم فدای تو باد! ای رسول خدا! شنیدم که فرمودی: هرگاه نیابید آفتاب را متمسک به ماه شوید، و

ص: 45

چون ماه نباشد، متمسک شوید به فرقدین، و چون فرقدین ناپیدا شود، متمسک شوید به ستاره ها، گمان بردم که در این آشکار نگفتن رمزی و اشاره ای باشد، آن حضرت فرمود که: نیکو یافته ای، [ای] سلمان! پس گفتم:

روشن گردان از برای من ای رسول خدا! و بیان فرما که چیست آفتاب و ماه و فرقدین و ستاره های روشن؟ آن حضرت فرمود که:

منم آفتاب و علی است ماه، چون مرا نیابید، متمسک شوید به علی بعد از من، اما فرقدان حسن و حسین اند، هرگاه ماه را نیابید متمسک به ایشان شوید؛

و اما ستاره های روشن، ایشان نه امام اند از صلب حسین علیه السلام، و نهم ایشان مهدی ایشان است

بعد از آن، آن حضرت فرمود که:

ص: 46

ایشان اند اوصیاء و خلفاء بعد از من، ائمه ابرارند به شماره اسباط یعقوب و حواری عیسی؛ گفتم: نام ایشان را از برای من بیان فرمای رسول خدا! فرمود که: اول ایشان و سید ایشان علی بن ابی طالب است، و بعد از آن دو سبط من حسن و حسین، و بعد از ایشان علی بن الحسین زین العابدین، و بعد از او محمد بن علی شکافنده علم نبیین، و بعد از او صادق جعفر بن محمد، و بعد از او کاظم موسی بن جعفر، و بعد از او رضا علی بن موسی، آنکه کشته خواهد شد در زمین غربت، بعد از آن فرزند او محمد، بعد از آن فرزند او علی، بعد از او فرزند او حسن؛

بعد از او فرزند او حجت قائم، که منتظر است در غایب بودنش، و مطاع است در ظهورش، پس به درستی که ایشان عترت منند از گوشت و خون من، علم ایشان علم

من است، و حکم ایشان حکم من است، هر کس برنجاند مرا درباره ایشان، نرساند خدای تعالی به او شفاعت مرا! و السلام علی من اتبع الهدی.

**** نقل دیگر در کفایه المهتدی به طریق دیگر؛ (1)**

باز میرلوحی در کفایه المهتدی نقل می کند؛

الحديث الخامس

[از صدوق در «اکمال الدین»، از جابر، از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: ذکر نامهای ائمه تا حضرت مهدی علیهم السلام]

قال الصدوق- رضوان الله عليه- في كتاب «كمال الدين»: حدثنا غير واحد من أصحابنا، قالوا: حدثنا محمد بن همام، قال: حدثنا جعفر بن محمد بن مالك الفزاري، قال: حدثنا الحسن بن محمد بن سماعه، قال: حدثني

ص: 48

1- کفایه المهتدی ... ؛ ص 459

أحمد بن الحارث، قال: حدثني المفضل بن عمر، عن يونس بن ظبيان، عن جابر بن يزيد الجعفي، قال: سمعت جابر بن عبد الله الأنصاري، يقول: لما أنزل الله - عز و جل - على نبيه محمد صلى الله عليه وآله وسلم يا أيها الذين آمنوا أطيعوا الله وأطيعوا الرسول وأولى الأمر منكم (1)

قلت: يا رسول الله! عرفنا الله ورسوله، فمن أولو الأمر الذين قرن الله طاعتهم بطاعتك؟ فقال صلى الله عليه وآله وسلم: هم خلفائي يا جابر! وائمة المسلمين من بعدي، اولهم علي بن أبي طالب، ثم الحسن، ثم الحسين، ثم علي بن الحسين، ثم محمد بن علي المعروف في التوريه بالباقر، وستدرکه يا جابر! فإذا لقيته فاقرأه مني السلام، ثم الصادق جعفر بن محمد، ثم موسى بن جعفر، ثم علي

ص: 49

1- . سورة نساء آیه 59.

بن موسى، ثم محمد بن علي، ثم علي بن محمد، ثم الحسن بن علي؛

ثم سمى وكنى حجه الله في أرضه، وبقية في عباده، ابن الحسن بن علي، ذاك الذي يفتح الله - تعالى ذكره - على يديه مشارق الأرض و مغاربها، ذاك الذي يغيب عن شيعته و اوليائه غيبه لا يثبت فيها على القول بإمامته إلا من امتحن الله قلبه للإيمان

قال جابر: فقلت له! يا رسول الله! فهل تنتفع الشيعة به في غيبته؟ فقال صلى الله عليه و آله و سلم:

إي و الذي بعثني بالنبوه، إنهم ليستضيئون بنوره، و ينتفعون بولايته في غيبته، كانتفاح الناس بالشمس، و إن تجللها سحاب، يا جابر! هذا من مكنون سر الله، و مخزون علمه، فاكتمه إلا عن أهله.... إلى آخر الحديث.

ترجمه [حديث پنجم]:

ص: 50

به سند مسطور مروی است که: جابر بن یزید جعفی گفت: شنیدم از جابر بن عبد الله انصاری، که می گفت که: در آن هنگام که حضرت ملک علام فرو فرستاد به نبی خود (یعنی: سید انام)- علیه و آله الصلاه و السلام- آیه: یا ایها الذین آمنوا أطیعوا الله و أطیعوا الرسول و أولی الأمر منکم (1) را،

گفتم: یا رسول الله! ما خدا و رسول را شناخته ایم، اولو الامر کیستند که قرین گردانیده است حضرت الله تعالی طاعت ایشان را به طاعت تو؟ آن حضرت فرمود که: ایشان خلیفه های منند، و امامان مسلمانانند بعد از من، اول ایشان علی بن ابی طالب است، بعد از آن حسن، پس حسین، پس علی بن الحسین، بعد از آن، محمد بن علی که معروف است در تورات به باقر، و زود باشد که

ص: 51

1- سوره نساء آیه 59.

تو او را ببینی، ای جابر! چون او را ببینی باید که بخوانی او را از من سلام (یعنی که: سلام من به او برسانی) بعد از آن صادق جعفر بن محمد، بعد از آن موسی بن جعفر، بعد از آن علی بن موسی، پس محمد بن علی، پس علی بن محمد، بعد از آن حسن بن علی، بعد از آن هم نام من و هم کنیت من، حجت خدا در زمین خدا، و بقیه خدا در میان بندگان خدا، پسر حسن بن علی که بگشاید خدای تعالی به دست او مشارق و مغارب زمین را، و غایب شود از شیعه و دوستان خود، غایب شدنی که ثابت نماند در آن غایب بودن او، به قائل بودن به امامت او، مگر آن کسی که امتحان و آزمایش کرده‌س باشد الله تعالی دل او را به ایمان، جابر گفت: گفتم: ای رسول خدا! آیا منتفع شوند از او شیعه در زمان غایب بودن او؟ آن حضرت فرمود: بلی منتفع می شوند، به آن خدایی قسم که مرا

بنبوت برانگیخته است که ایشان مستضیء می گردند به نور او و منتفع می شوند به ولایت او در زمان غایب بودن او مانند منتفع شدن مردمان از نور آفتاب اگر چه پوشیده باشد قرص آفتاب را سحاب، ای جابر! این از مکنون سر خدا و مخزون علم خداست، پنهان دار این را مگر از اهلس

باید دانست که این حدیث تتمه داشت، به جهت اختصار، این خاکسار ذکر آن را وا گذاشت. والسلام علی من اتبع الهدی.

** نقل شیخ صدوق در کمال الدین؛ (1) شیخ صدوق در کمال الدین نقل می کند؛

4- حدثنا علی بن أحمد رضی الله عنه قال حدثنا محمد بن أبی عبد الله الكوفی عن موسی بن عمران عن عمه

ص: 53

1- کمال الدین و تمام النعمه ؛ ج 1 ؛ ص 259

الحسين بن يزيد عن الحسن بن علي بن أبي حمزه عن أبيه عن يحيى بن أبي القاسم عن الصادق جعفر بن محمد عن أبيه عن جده عليهم السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم

الأئمة بعدى اثنا عشر أولهم علي بن أبي طالب وآخرهم القائم هم خلفائي وأوصيائي وأوليائي وحجج الله على أمتي بعدى المقر بهم مؤمن والمنكر لهم كافر

رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود؛

ائمه بعد از من دوازده نفرند که اولین آن ها علی بن ابی طالب علیهما السلام و آخرین آن ها قائم علیه السلام است؛ آن ها خلفای من و اوصیای من و اولیاء من و حجت های خداوند بر امت من هستند و هر کس به امامت و خلافت و وصایت و حجت بودن آن ها اقرار نماید مومن است و هر کس انکار کند کافر است؛

ص: 54

که این مطلب را که انکار مذکور سبب کفر است طبق نقل کتب اهل تسنن نیز در آخر این کتاب ذکر شده است؛

و باز شیخ صدوق در کمال الدین باب آن چه از چهارده معصوم و از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در شئون امام مهدی علیه السلام نقل شده نقل می کند؛ (1)

7- حدثنا أحمد بن زياد بن جعفر قال حدثنا علي بن إبراهيم بن هاشم عن أبيه عن علي بن معبد عن الحسين بن خالد عن أبي الحسن علي بن موسى الرضا عن أبيه عن آبائه عليهم السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم

أنا سيد من خلق الله عز وجل وأنا خير من جبرئيل وميكائيل وإسرافيل وحمله العرش وجميع ملائكة الله المقربين وأنبياء الله المرسلين

ص: 55

1- کمال الدین و تمام النعمه ؛ ج 1 ؛ ص 261

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود من سید خلق خداوند هستم و من از جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و فرشته های حامل عرش الهی و از تمام ملائکه مقرب خداوند و انبیاء الهی بهتر هستم

و أنا صاحب الشفاعة و الحوض الشریف و أنا و علی أبوا هذه الأمة من عرفنا فقد عرف الله عز و جل

و من صاحب شفاعة و حوض هستم و من و علی علیه السلام پدران این امت هستیم که هر کس ما را بشناسد خداوند را شناخته است

و من أنکرنا فقد أنکر الله عز و جل و من علی سبطا امتی و سیدا شباب أهل الجنة الحسن و الحسین و من ولد الحسین تسعه أئمه طاعتهم طاعتی و معصیتهم معصیتی تاسعهم قائمهم و مهدیهم.

ص: 56

و هر کس ما را انکار کند خداوند را انکار کرده است؛ و از نسل علی علیه السلام دو سبط این امت و دو سید اهل بهشت حسن و حسین علیهما السلام خواهند بود و از نسل حسین علیه السلام نه امام خواهد بود که طاعت آن ها طاعت من و معصیت آن ها معصیت من است و نهمین ایشان مهدی و قائم ایشان است؛

و در جای دیگر به تعبیر دیگر فرمود: [\(1\)](#)

9- حدثنا أبي رضى الله عنه قال حدثنا سعد بن عبد الله قال حدثنا يعقوب بن يزيد عن حماد بن عيسى عن عبد الله بن مسكان عن أبان بن تغلب عن سليمان بن قيس الهلالي عن سلمان الفارسي رضى الله عنه قال: دخلت على النبي صلى الله عليه وآله وسلم فإذا الحسين بن علي على فخذه وهو يقبل عينيه ويلثم فاه ويقول أنت

ص: 57

1- کمال الدین و تمام النعمه ؛ ج 1 ؛ ص 262

سید ابن سید أنت إمام ابن إمام أخو إمام أبو أئمه أنت حجه الله ابن حجته و أبو حجج تسع من صلبك تاسعهم قائمهم.

الا این که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حسین علیه السلام را روی پای خود گذاشته و چشمان حسین علیه السلام را بوسید و دهانش را بوسید و فرمود تو امام و فرزند امام و برادر امام و پدر امامان دیگر هستی؛

تو حجت خداوند و پدر نه امام دیگر از نسل خودت هستی که نهمین ایشان قائم ایشان است؛

14- حدثنا حمزه بن محمد بن أحمد بن جعفر بن محمد بن زید بن علی بن الحسين بن علی بن أبي طالب عليهما السلام قال أخبرنا أحمد بن محمد بن سعيد قال أخبرني القاسم بن محمد بن حماد قال حدثنا غياث بن إبراهيم قال حدثنا الحسين بن زید بن علی عن جعفر بن محمد

ص: 58

عن آباءه عليهم السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم

أبشروا ثم أبشروا ثلاث مرث إنما مثل أمتى كمثل غيث لا يدرى أوله خير أو آخره

إنما مثل أمتى كمثل حديقه أطعم منها فوج عامما ثم أطعم منها فوج عامما لعل آخرها فوجا أن يكون أعرضاها بحرا و أعمقها طولا و فرعا و أحسنها جنى و كيف تهلك أمه أنا أولها و اثنا عشر من بعدى من السعداء و أولى الألباب و المسيح عيسى ابن مريم آخرها و لكن يهلك بين ذلك نتج الهرج ليسوا منى و لست منهم. (1)

و نیز در این روایت که فرمود چگونه هلاک شود امتى که من اولین آن هستم و بعد از من دوازده نفر از سعداء هستند

ص: 59

1- كمال الدين و تمام النعمه ؛ ج 1 ؛ ص 269

و نیز در خبر بعد که فرمود اوصیاء من دوازده نفر و به عدد نقبای بنی اسرائیل هستند؛

16- حدثنا أبو علی أحمد بن الحسن بن علی بن عبد ربه قال حدثنا أبو زید محمد بن یحیی بن خلف بن یزید المروزی بالری فی شهر ربیع الأول سنه اثنتین و ثلاثمائه قال حدثنا إسحاق بن إبراهيم الحنظلی فی سنه ثمان و ثلاثین و مائتین المعروف بإسحاق بن راهویه قال حدثنی یحیی بن یحیی قال حدثنا هشام بن خالد عن الشعبي عن مسروق قال: (1)

بینا نحن عند عبد الله بن مسعود نعرض مصاحفنا علیه إذ قال له فتی شاب هل عهد إلیکم نبیکم صلی الله علیه و آله و سلم کم یكون من بعده خلیفه قال إنک لحدث السن و إن هذا لشیء ما سألتی عنه أحد قبلک نعم عهد

ص: 60

1- کمال الدین و تمام النعمه ؛ ج 1 ؛ ص 270

إلينا نبينا صلى الله عليه وآله وسلم أنه يكون بعده اثنا عشر خليفة بعدد نقباء بني إسرائيل.

**** نقل دیگر از میر لوحی در کفایه المهتدی؛**

میر لوحی در کفایه نقل می کند؛ [\(1\)](#)

الحديث الرابع عشر [: از فضل بن شاذان از عثمان بن عیسی، از ابی حمزه الثمالی، از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عند الوفات: با ذکر ائمه دوازده گانه بدون نام، و ذکر مهدی علیه السلام]

قال ابن شاذان- عليه رحمه الله الملك المنان: حدثنا عثمان بن عيسى رضی الله عنه، قال:

حدثنا أبو حمزه الثمالی، قال: حدثنا أسلم، قال: حدثنا أبو الطفيل، قال: حدثنا عمار بن ياسر، قال: لما حضرت

ص: 61

1- کفایه المهتدی ... ؛ ص 495

رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم الوفاء، دعا بعلى عليه السلام فساره طويلا، ثم رفع صوته وقال:

يا على أنت وصيى و وارثى، قد أعطاك الله تعالى علمى وفهمى، فإذا مت ظهرت لك ضغائن فى صدور قوم، و غضب على حقمك، فبكت فاطمه عليهما السلام و بكى الحسن و الحسين عليهما السلام، فقال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم لفاطمه عليهما السلام: يا سيده النساء! مم بكاؤك؟ قالت: يا أبت! أخشى الضيعة بعدك، قال: أبشرى يا فاطمه! فإنك أول من تلحقنى من أهل بيتى، لا تبكى و لا تحزنى، فإنك سيده نساء أهل الجنة، و أباك سيد الأنبياء، و ابن عمك سيد الأوصياء، و ابنك سيده شباب أهل الجنة، و من صلب الحسين يخرج الله الأئمة التسعة المطهرين المعصومين، و منا مهدى هذه الامه.

[ترجمه حديث چهاردهم:]

ص: 62

چون وقت وفات پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم رسید امیر المؤمنین علیه السلام را طلبید، و در سر با آن حضرت سخن بسیار گفت، چنان که آن راز گفتن به طول کشید، بعد از آن آواز مبارک بلند کرده فرمود که:

یا علی! تو وصی من و وارث منی و خدای تعالی عطا کرد به تو علم و فهم مرا، پس من چون درگذرم ظاهر شود نسبت به تو کینه هائی که در سینه های قومست و حق تو را غصب خواهند کرد، پس حضرت فاطمه علیها السلام گریست و امام حسن و امام حسین هم به گریه درآمدند، حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم با فاطمه خطاب نموده فرمود که: ای بهترین زنان! چرا گریانی و بکای تو را سبب چیست؟

فاطمه علیها السلام فرمود که: ای پدر! از تلف شدن می ترسم بعد از تو، حضرت رسول صلی الله علیه و آله و

سلم فرمود که: بشارت باد تو را که اول کسی از اهل بیت من که به من خواهد رسید، تو خواهی بود، گریه مکن و محزون مباش که تو بهترین زنان اهل بهشتی، و پدرت بهترین پیغمبران است، و ابن عمت بهترین اوصیاست، و دو پسررت بهترین جوانان اهل بهشتند، بیرون خواهد آورد الله تعالی از صلب حسین نه امام مطهر معصوم را، و از ماست مهدی این امت. الحمد لله الذی جعل سادتی و قادتی هذه الأصفیاء، و السلام علی من اتبع الهدی؛

و علامه مجلسی در باب هم نام بودن حضرت با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که در اخبار متعدد است نقل می کند؛(1)

و در اسم و کنیت با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم موافق است، و در زمان غیبت اسم آن

ص: 64

جناب را مذکور ساختن جایز نیست، و حکمت آن مخفی است. و القاب شریفه آن جناب: مهدی است، و خاتم و منتظر و حجت و صاحب است.

که این بحث در قبل ذکر و تفصیل داده شد؛ و ادعای عامه بر این که نام پدر هم افزوده شده اعتبار ندارد؛

و برای مراجعه بیش تر می توان به مناقب خوارزمی و ینابیع الموده سلیمان بلخی حنفی و فرائد السمطین حموینی و مناقب محدث فقیه ابن مغزالی شافعی و موده القربی میر سید علی همدانی شافعی و فصول المهمه مالکی و مطالب السئول محمد بن طلحه شافعی و تذکره سبط ابن جوزی و دیگران از علماء که همگی از افاضل و اکابر و بزرگان اهل خلاف هستند رجوع کرد تا یقین شود زیاد از صد ها خبر از طرق دانشمندان اهل تسنن و جماعت درباره خلفاء و ائمه اثنا عشر بعد از رسول اکرم

ص: 65

(صلی الله علیه و آله و سلم) رسیده به استثناء اخبار شیعه که فوق تواتر است؛

سعود ششم: تکمله در حدیث خلفای اثنا عشر

نقل موده القریبی همدانی؛ و از دیگر دانشمندان اهل سنت جناب میر سید علی همدانی شافعی در موده دوازدهم از موده القریبی نقل می نماید از عمر بن قیس که گفت ما در حلقه ای که عبدالله بن مسعود در او بود نشسته بودیم اعرابی آمد سؤال نمود کدام یک از شما عبدالله هستید؟

عبدالله گفت من هستم یا عبدالله آیا پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از خلفاء بعد از خود به شما خبر داد؟

در جواب گفت بلی پیغمبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود؛

الخلفاء بعدی اثنا عشر عدد نقباء بنی اسرائیل

ص: 66

خلفاء بعد از من دوازده نفر می باشند به عدد نعباء بنی اسرائیل (که دوازده نقیب بودند)

و نیز از شعبی از مسروق از عبدالله شیبه این خبر را نقل نموده.

و نیز از جریر از اشعث از عبدالله بن مسعود و از عبدالله بن عمر از جابر بن سمره همگی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده اند که فرمود؛

الخلفاء بعدی اثنا عشر بعدد نعباء بنی اسرائیل

و در خبر عبدالملک است که فرمود؛

کلهم من بنی هاشم

یعنی آن دوازده خلیفه بعد از من که بعدد نعباء بنی اسرائیل اند تمام از بنی هاشم اند؛

که نخصص اخبار و فقرات کلهم من قریش است زیرا که بنی هاشم از قریش و بلکه افضل ایشان است؛

ص: 67

علاوه بر این منابع و مصادر که ذکر شد؛ سایر علمای مهم اهل عامه و خلاف در کتاب های خود متفرقا به اقتضای هر محلی اخبار بسیاری در این باب آورده اند که خواجه کلان سلیمان بلخی باب 77 ینابیع الموده را اختصاص باین موضوع داده و اخبار بسیاری در این باب نقل نموده از شیخین و ترمذی و ابی داود و مسلم و سید علی همدانی و شعبی و غیرهم.

از جمله گوید یحیی بن حسن فقیه در کتاب عمده از بیست طریق نقل نموده که؛

ان الخلفاء بعد النبی صلی الله علیه و آله اثنا عشر خلیفه کلهم من قریش

خلفاء بعد از پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دوازده خلیفه می باشند که تمامشان از قریش اند.

ص: 68

یعنی این امر از اموری است که به شهرت رسیده و در زبان همه جاری بوده و جایی برای شک و تردید باقی نمی گذارد؛

و از بخاری (که معتبرترین دانشمندان در نزد دانشمندان اهل سنت می باشد) از سه طریق و مسلم از نه طریق و ابی داود از سه طریق و ترمذی از یک طریق و حمیدی از سه طریق نقل نموده اند که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود؛

خلفاء و امامان بعد از من دوازده نفرند تمام آنها از قریش اند و در بعضی از آنها اخبار است که کلهم من بنی هاشم

تمام آنها از بنی هاشم هستند

که این بخار مقید و مخصص اخبار دسته اول هستند که فرمود کلهم من قریش؛ یعنی واضح تر فرموده است برای

ص: 69

جواب سوال سائلی که پرسید از کدام قبیله و طوایف قریش و متعدد فرموده از بنی هاشم؛

و عناوین ابواب مثل برخی مصادر شیعه در اهل عامه و خلاف هم از اخبار و احادیث گرفته شده است و این که ادعا نموده و بایی به عنوان خلفای دوازده گانه بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از قریش و از بنی هاشم هستند دال بر شهرت و وضوح این واقعیت و حقیقت است که خود عامه به آن معترف هستند و هر طریق که محاسبه کنید، خلافت سایر مدعیان دوازده نفر نیست بلکه یا بیش تر یا کم تر است؛ و این ها همه امارات و علامات برای رفع و دفع فتنه و باطل است اگر کسی اهل انصاف باشد؛

و در ص 446 گوید بعضی از محققین علماء (یعنی علماء عامه و اهل تسنن) گفته اند احادیث داله بر اثبات امامت

ص: 70

خلفاء بعد از رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) از تعیین عدد خلفاء بعد خود ائمه اثنا عشر از اهل بیت و عترت خودش می باشد- و ممکن نیست مطابقت این احادیث با خلفا از صحابه بعد از آن حضرت چه آن که پیغمبر تعیین عدد دوازده فرموده (و آنها چهار بودند).

و آن گونه که بعضی محققین گفته اند؛

نیز حمل نمی شود بر سلاطین بنی امیه برای آنکه از دوازده نفر بیشتر بودند (سیزده نفر بودند) علاوه بر آنکه همگی ظالم بودند با استثناء عمر بن عبد العزیز - که ظلم کمتری داشته است و رد فدک نموده و بر علویین ملاحظت نموده است؛

(در اثبات ظلم عمر بن عبدالعزیز هم کافی است در غضب خلافت و خانه نشین نمودن امام وقت از فرزندان رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) و از بنی هاشم

ص: 71

هم نبودند نظر به فرموده پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود: کلهم من بنی هاشم

و این فقرات کلهم من بنی هاشم مقید اخبار کلهم من قریش است و این مطلب واضح و یقینی و برهانی است به ادنی تامل؛

و نیز حمل بر ملوک بنی عباس هم نمی شود برای آن که عدد آنها بیشتر از دوازده نفر بوده (سی پنج نفر بودند به اختلاف) و ابدا هم رعایت نمودند توصیه خداوند متعال را در باره عترت که در سوره مبارکه شوری فرمود؛

(قل لا اسئلكم علیه اجرا الا موده فی القربی - و حدیث (متواتر) کساء؛ - زیرا ظلم و قتل اولاد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ذریه مطهر و اولاد ایشان از آنان مکرر اتفاق افتاد و هیچ مواساتی و مودتی نداشته اند؛ -

ص: 72

پس لابد باید حمل شود این همه اخبار و احادیث وارده از رسول اکرم (علیه السلام) بر امامان دوازده گانه از عترت و اهل بیت طهارت پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) (به عقیده حقه امامیه اثنا عشریه)

لأنهم كانوا أعلم أهل زمانهم و أجلمهم و أورعهم و اتقاهم و اعلاهم نسبا و افضلهم حسبا و اكرمهم عندالله و كان علومهم عن آبائهم متصلا بجدهم و بالوراثه و اللدنيه كذا عرفهم أهل العلم و التحقيق و أهل الكشف و التوفيق

برای آنکه آنها أعلم و أجلا و أورع و أتقأی أهل زمانشان بودند و بالاتر از آنها از حیث نسب و افضل آنها از حیث حسب و گرامی ترین آنها نزد پروردگارانند و علوم آنها ارثا (و موهبتا) از طریق پدرانشان متصل به رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) بوده و اهل علم

ص: 73

و تحقیق کشف کنندگان با توفیق آنها را به این قسم تعریف و معرفی نمودند.)

سعود هفتم: کلام در حدیث شریف ثقلین

و تأیید می کند این عقاید را که مراد پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از تعیین خلفا بعد از خود امامان دوازده گانه از عترت و اهل بیت او میباشند حدیث شریف ثقلین که طبق روایات صحیحیه شیعه و سنی به حد تواتر رسیده (که بالای پانصد سند تنها و تنها از علمای اهل سنت دارد)) - و بلکه فوق تواتر است و این از احادیثی است که اتفاق در آن هست و اتفاق از تسالم و به طریق اولی از پنج قسم اجماع بالاتر است - که آن حضرت فرمود ؛ ((انی تارکم فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی لن یفترقا حتی یردا علی الحوض ان تمسکتُم بهما لن تضلوا بعدها ابدا))

ص: 74

و علامه مجلسی در جلاء العیون در ضمن این حدیث می فرماید؛ (1) بدان که بعد از ثبوت عصمت و جلالت ائمه هدی باید که آنچه از ایشان واقع شود، مؤمنان تسلیم و انقیاد نمایند و در مقام شبهه و اعتراض در نیایند، که آنچه ایشان می کنند از جانب خداوند عالمیان است، اعتراض بر ایشان اعتراض بر خداست چنانچه سابقاً دانستی که حق تعالی صحیفه ای از آسمان برای حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم فرستاد، بر آن صحیفه دوازده مهر بود، هر امامی مهر خود را بر می داشت به آنچه در تحت آن مهر نوشته بود عمل می کرد، چگونه روا باشد به عقل ناقص خود اعتراض کردن بر گروهی که حجت های خداوند عالمیانند در زمین، گفته ایشان گفته خداست و کرده ایشان کرده خداست.

ص: 75

ابن بابویه و شیخ مفید و ابن شهر آشوب و دیگران روایت کرده اند که بعد از شهادت امیر المؤمنین علیه السلام امام حسن علیه السلام بر منبر برآمد، خطبه بلیغی مشتمل بر معارف ربانی و حقایق سبحانی ادا نمود فرمود:

مائیم حزب الله که غالبیم، مائیم عترت رسول خدا که از همه کس به آن حضرت نزدیک تریم، مائیم اهل بیت رسالت که از گناهان و بدیها معصوم و مطهریم، مائیم یکی از دو چیز بزرگ که رسول خدا به جای خود در میان امت گذاشت فرمود:

انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی، و مائیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم ما را جفت کتاب خدا گردانید و علم تنزیل و تأویل قرآن را به ما داد، در قرآن به یقین سخن می گوئیم، به ظن و گمان

تأویل آیات آن نمی کنیم، پس اطاعت کنید ما را که اطاعت ما از جانب خدا بر شما واجب شده است، و اطاعت ما را به اطاعت خود و رسول خود مقرون گردانیده است، فرموده است:

«یا ایها الذین آمنوا أطیعوا الله و أطیعوا الرسول و أولی الأمر منکم»(1)

یعنی تا زمان ورود بر حوض کوثر این تقلین خواهند بود و اتصال آن ها نیز از بین نمی رود و روشن است که کتاب خدا موجود و فردی از عترت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در هر زمان و زمان ما هست که چون از ذوی القربی است مودتش لازم و چون حبل المتین است تمسک به او سبب نجات است؛

ص: 77

1- سوره نساء/ آیه 59.

****** حدیث ثقلین به نقل علامه قندوزی در ینابیع الموده؛(1) و علامه قندوزی در ینابیع الموده در مستدرک این حدیث ثقلین منابع و مصادر متعدد نقل می کند که حجت را بر هر منصفی تمام می کند؛

وفی المناقب: عن عبد الله بن الحسن المثنى بن الحسن المجتبی بن علی المرتضی علیهم السلام، عن أبيه، عن جده الحسن السبط قال:

خطب جدی صلی الله علیه و آله و سلم یوما فقال بعد ما حمد الله و أثنی علیه:

معاشر الناس إني أدعی فاجیب و إني تارك فيكم الثقلین: كتاب الله و عترتی أهل بیتی؛ إن تمسکتُم بهما لن تضلوا، و إنهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض،

ص: 78

1- ینابیع الموده لذوی القربی؛ ج 1؛ ص 73

فتعلموا منهم ولا تعلموهم فانهم أعلم منكم، ولا تخلو الأرض منهم، ولو خلت لانساخت بأهلها.

ثم قال: اللهم إنك لا تخلى الأرض من حجه على خلقك لئلا تبطل حجتك، ولا تضل أولياءك بعد إذ هديتهم، أولئك الأقلون عدداً والأعظمون قدراً عند الله (عز وجل) ولقد دعوت الله- تبارك وتعالى- أن يجعل العلم والحكمة في عقبى وعقب عقبى، وفي زرعى و زرع زرعى، الى يوم القيامة، فاستجيب لى

که وی خود از علمای عامه است و باز قاضی شهید در احقاق الحق مستدرک این حدیث را این گونه ذکر فرموده است رضوان الله علیه؛(1)

مستدرک قوله صلى الله عليه وآله:

«إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله وعترتي»

ص: 79

1- إحقاق الحق وإزهاق الباطل ؛ ج 33 ؛ ص 39

قد تقدم ما يدل عليه عن العامه فى ج 4 ص 436 إلى 443 و ج 5 ص 52 و 86 و ج 6 ص 332 و 342 و ج 9 ص 309 إلى 375 و ج 16 ص 405 و ج 18 ص 261 إلى 289 و 541 إلى 542 و مواضع أخرى و نستدرک هاهنا عن الكتب التى لم نرو عنها فيما سبق رواه جماعه [1]:

فمنهم العلامة الحافظ أبو الحسن على بن عمر الدار قطنى البغدادى المتوفى 385 ه فى «المؤتلف و المختلف» (ج 4 ص 2061 ط 1 دار الغرب الإسلامى بیروت 1406 ه 1986 م) قال:

حدثنا محمد بن القاسم بن زكريا، حدثنا عباد بن يعقوب حدثنا على بن هاشم، عن عمرو أبى محرز، عن عطيه، عن أبى سعيد الخدرى، عن النبى صلى الله عليه و-آله-

ص: 80

سلم قال: إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله وعترتي الحديث.

31- که این نقل شوشتری در احقاق الحق است و در هامش سایر مصادر و مستدرکات حدیث ثقلین را نقل می کند؛

و اما آن چه در هامش است به این کیفیت است که برای اهل تحقیق مفید است؛

[1] قال العلامة محمد زکی ابراهیم رائد العشیره المحمديه فی «مراقده أهل البيت بالقاهره» ص 135 ط 4 مطبوعات العشیره المحمديه بمبئی جامع البنات بالقاهره- قال:

أولاً: ثبوت حدیث الثقلین سنداً و متناً النص الأول:

أخرج إمام أهل السنه (أحمد بن حنبل) فی مسنده ج 3 آخر ص 17 ط ام 1313: عن أبي سعيد الخدری، عن

ص: 81

النبي صلى الله عليه وآله-سلم أنه قال: إني أوشك أن أدعى فأجيب، وإني تارك فيكم (الثقلين) كتاب الله عز وجل، وعترتي كتاب الله جبل ممدود من السماء إلى الأرض، وعترتي أهل بيتي، وإن اللطيف الخبير أخبرني أنهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض فانظروا به تخلفوني فيهما. قال ابن الأثير في النهاية (سماهما ثقلين إعظاما لقدرهما، وتفخيما لشأنهما) وفي شرح القاموس: كل شيء نقيس مصون يقال له (ثقل) بكسر فسكون.

النص الثاني:

أخرج أيضا في ج 3 ص 59 من المسند، أنه صلى الله عليه وآله-سلم قال: إني تركت فيكم ما إن أخذتم به لن تضلوا بعدى، الثقلين، أحدهما أكبر من الآخر، كتاب الله جبل ممدود من السماء إلى الأرض وعترتي، أهل بيتي ... إلخ، وأخرجه أيضا في ص 14 و 26 من الجزء

ص: 82

المذكور وص 466 و 371 من الجزء الرابع و ص 182 و 189 من الجزء الخامس

(و العترة أهل بيت الرجل الأقربين).

النص الثالث: و أخرج الحافظ مسلم بن الحجاج القشيري في صحيحه ج 7 مجلد 4 ص 122، عن زيد بن أرقم قال:

قال رسول الله صلى الله عليه و-آله-سلم يوما فينا خطيبا بمسجد يدعى خما بين مكة و المدينة، و وعظ و ذكر، ثم قال:

أما بعد: ألا أيها الناس فإنما أنا بشر يوشك أن يأتي رسول ربي فأجيب، و إني تارك فيكم الثقلين أولهما كتاب الله فيه الهدى و النور فخذوا بكتاب الله و استمسكوا به.

ص: 83

قال زيد بن أرقم فحث على كتاب الله ورغب فيه ثم قال صلى الله عليه وآله-سلم وأهل بيتي، أذكركم الله في أهل بيتي، أذكركم الله في أهل بيتي، أذكركم الله في أهل بيتي.

النص الرابع: وأخرج القندوزي في (بناييع الموده) الباب الرابع ص 35 طبع إسلامبول 1301، عن حذيفه بن اليمان رضى الله عنه قال: صلى بنا رسول الله صلى الله عليه وآله-سلم الظهر ثم أقبل بوجهه الكريم إلينا، فقال:

معاشر أصحابي أوصيكم بتقوى الله، والعمل بطاعته، وإنى أدعى فأجيب، وإنى تارك فيكم الثقلين، كتاب الله وعترتى، أهل بيتي إن تمسكتم بهما لن تضلوا، وإنهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض، فتعلموا منهم ولا تعلموهم فإنهم أعلم منكم.

ص: 84

وأخرجه القندوزى أيضا عن زيد بن أرقم، و جابر بن عبد الله الأنصارى، و أبى ذر الغفارى، و أبى سعيد الخدرى، و حذيفه بن أسيد الغفارى، و جبير بن مطعم، و زيد بن ثابت، و ابن عباس، و عامر بن أبى لىلى، و أبى رافع مولى رسول الله صلى الله عليه و-آله-سلم و أبى هريره، و أم هانئ بنت أبى طالب، و غيرهم و قال: و فى الصواعق المحرقة،

روى هذا الحديث ثلاثون صحابيا، و إن كثيرا من طريقه صحيح و حسن (انظر الينايع باب 4 ص 28-41).

النص الخامس:

و أخرج أبو عمر أحمد بن محمد عبد ربه القرطبى فى (العقد الفريد) ج 2 ص 46 ط م 1331، خطبه النبى صلى الله عليه و-آله-سلم فى حجه الوداع، و فيها: أيها الناس إنما المؤمنون إخوه، فلا يحل لامرئ مال أخيه، إلا عن

ص: 85

طيب نفسه ألا هل بلغت فلا ترجعوا بعدى كفارا يضرب بعضكم أعناق بعض، فإنى قد تركت فيكم ما إن أخذتم به لن تضلوا: كتاب الله، و أهل بيتى، ألا هل بلغت اللهم اشهد.

النص السادس: وأخرج الحافظ جلال الدين عبد الرحمن السيوطى فى (الجامع الصغير) حديث رقم (2631) عن زيد بن ثابت أنه صلى الله عليه وآله-سلم قال: إنى تارك فيكم خليفتين كتاب الله، جبل ممدود ما بين السماء والأرض، وعترتى أهل بيتى، وأنهما لن يتفرقا حتى يردا على الحوض.

قال شارحه العلامة المناوى ج 3 ص 14 من (فيض القدير) فى شرحه الحديث المذكور: (تنبيه) قال الشريف: هذا الخبر يفهم وجود من يكون أهلا للتمسك به من أهل البيت و العتره الطاهره، فى كل زمن إلى قيام الساعة،

ص: 86

حتى يتوجه الحث المذكور إلى التمسك به كما أن الكتاب كذلك، فلذلك كانوا أمانا لأهل الأرض، فإذا ذهبوا ذهب أهل الأرض

(أخرج الحديث أحمد في مسنده و الطبراني في معجمه الكبير عن زيد بن ثابت) قال الهيثمي. رجاله موثقون. ورواه أيضا أبو يعلى بسند لا بأس به، و الحافظ. عبد العزيز بن الأخضر، و زاد أنه قاله في حجه الوداع و وهم من زعم وضعه كابن الجوزي. قال السمهودي: و في الباب ما يزيد على عشرين من الصحابه.

ثانيا: من أخرج الحديث أيضا أو نقله:

و أخرج الحديث (غير من ذكرنا) كثير من أئمه الحديث و حفاظه كالحاكم في (المستدرک) و الخطيب في (تاريخ بغداد) و المتقى الهندي في (منتخب كنز العمال) هامش

ص: 87

مسند أحمد و الترمذى فى (صحيحه) و (شرح الشفا) لعلى القارى.

و أخرجه محب الدين أحمد بن عبد الله الطبرى فى (ذخائر العقبي).

و أخرجه فى (اسد الغابه) لابن الجزرى (و تذكره الخواص) لابن الجوزى و (إنسان العيون) لنور الدين الحلبي الشافعى و (السراج المنير) للعزيزى الشافعى فى شرح الجامع الصغير للسيوطى، و أخرجه فخر الدين الرازى فى تفسير آيه «الاعتصام» و النظام النيشابورى فى تفسير آيه «الاعتصام» و الخازن فى تفسير آيه «الاعتصام» و تفسير «آيه الموده» و ابن كثير الدمشقى فى تفسير «آيه الموده» و فى تفسير «آيه التطهير» كما أخرجه فى مصابيح السنه للإمام البغوى الشافعى، و

ص: 88

الصواعق المحرقة لابن حجر الهيثمي وفي هذا كفايه لمن اهتدى.

و منهم الفاضل المعاصر المستشار عبد الحلیم الجندي في «الامام جعفر الصادق عليه السلام» (ص 2500 ط المجلس الأعلى للشؤون الإسلامية القاهرة) قال:

يقول عليه الصلاة والسلام (يا أيها الناس . إني تركت فيكم ما إن أخذتم به لن تضلوا. كتاب الله وعترتي، أهل بيتي) و يقول (إني تركت فيكم ما إن تمسكتم به لن تضلوا بعدى: كتاب الله جبل ممدود من السماء وعترتي أهل بيتي. ولن يفترقا حتى يردا على الحوض. فانظروا كيف تخلفوني فيهما) و يقول (إني تارك فيكم خليفتي كتاب الله .. وعترتي أهل بيتي) و يقول (إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله عز و جل وعترتي .. فانظروا كيف

ص: 89

تخلفونى فيهما) أو (إنى تارك فيكم الثقلين كتاب الله وأهل بيتى وإنهما لن يفترقا..)

- ذلك أنه لما رجع عليه الصلاة والسلام من حجه الوداع نزل بغدير خم يوم 18 ذى الحجه فى السنه العاشره- و الشيعة تعتبره عيداً يسمى عيد الغدير- وكان قد نزل عليه الوحي يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك وإن لم تفعل فما بلغت رسالته والله يعصمك من الناس، فأمر بدوحات فقممن

فقال (كأنى دعيت فأجبت. إنى قد تركت فيكم الثقلين، أحدهما أكبر من الآخر، كتاب الله تعالى وعترتى. فانظروا كيف تخلفونى فيهما فإنهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض ... ثم قال: إن الله عز وجل مولاي. وأنا مولى كل مؤمن. ثم أخذ بيد على وقال: اللهم وال من والاه وعاد من عاداه). وابن حجر فى صواعقه يقرر أن لهذا

ص: 90

الحديث طرقا كثيره وردت عن نيف وعشرين صحابيا مع اختلاف فى المكان أ هو غدیر خم أم الطائف أم المدینه. أما طرقه عن أهل البيت فنحو ثمانین طریقا.

وفى على قوله صلى الله عليه وآله-سلم (من أحب أن يحيا حياتى ويموت ميتتى ويدخل الجنة التى وعدنى ربي فليوال عليا وذريته من بعده. فإنهم لن يخرجوكم من باب هدى ولن يدخلوكم فى باب ضلاله)؛

و این تنها مختصر و عناوینی از نقل هایی است که عامه و اهل خلاف اعتراف نمودند و برای اهل تحقیق زمینه تحقیق در عناوین و ابوابی که تحت این موضوع نبوده ولی دال بر مطلوب است بسیار زیاد است؛

سعود هشتم: منکر مهدی علیه السلام

نستجیر بالله - کافر است و ذکر امور دیگر؛ و نیز در این مقام به خبری که

در مطالب قبل ذکر شد تمسک می شود؛ و این خبری است که یکی از بزرگان علمای اهل سنت به نام شیخ الاسلام حموبنی در فراند السمطین از محدث فقیه شافعی ابراهیم بن یعقوب کلابادی بخاری و خواجه کلان شیخ سلیمان بلخی حنفی در ینابیع الموده از جابر بن عبدالله انصاری نقل می نماید که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود؛

من أنکر خروج المهدی فقد کفر بما انزل علی محمد صلی الله علیه و سلم

کسی که منکر خروج حضرت مهدی باشد محققا کافر است به آنچه نازل گردیده بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم)

و این اعتراف خود علمای عامه است که خود را اهل سنت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم می دانند

ص: 92

لکن سنت پیامبر طبق نقل خودشان غیر از آن است که به آن اعتقاد دارند و ما خرده می‌گیریم و آن‌ها هم به قول مذهب جلیل اردبیلی در حدیقه الشیعه بر ما خرده‌نگیرند که این‌ها اخباری است که خود نقل کرده‌اید؛

سعود نهم: مهدی علیه السلام غیر از خلافت و علم و امامت وارث سایر شئون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است

علامه مجلسی در کتاب رجعت در ضمن نقل خبری در خروج سید حسنی و بیعت با امام مهدی علیه السلام چنین نقل می‌کند؛⁽¹⁾

[سید حسنی و مردان طالقان]؛ پس خروج کند جوان خوش رویی حسنی به جانب دیلم و قزوین و به آواز

ص: 93

1- کتاب رجعت؛ ص 145

فصیح ندا کند که به فریاد رسید ای آل محمد مضطر بیچاره [را] که از شما یاری می طلبد!

پس اجابت نمایند او را گنج های خدا در طالقان، چه گنج ها! نه از نقره و نه از طلا، بلکه مردی چند مانند پاره های آهن در شجاعت [و عزم] و صلابت بر یابوهای اشهب سوار، همه مکمل و مسلح، و بکشند پیوسته ظالمان را تا به کوفه درآید در وقتی که اکثر زمین را از کافران پاک کرده باشد.

پس در کوفه ساکن می شود و به او خبر می رسد که مهدی و اصحابش به نزدیک کوفه رسیده اند، به اصحاب خود می گوید که بیایید برویم و ببینیم که این مرد کیست و چه می خواهد. و الله که خود می داند که مهدی آل محمد صلوات الله علیه است، اما مطلبش آن است که بر اصحاب خود ظاهر سازد حقیقت آن حضرت را.

ص: 94

پس حسنی در برابر آن حضرت می ایستد و می گوید که اگر راست می گویی که تویی مهدی آل محمد، کجاست عصای جدت رسول خدا صلی الله علیه و آله و انگشتری او و برد و زره او که فاضل می نامیدند و عمامه اش که سحاب می گفتند و اسبش که یربوع نام داشت و ناقه اش که عضباء می گفتند و استرش که دلدل می گفتند و حمارش که یعفور می نامیدند و [اسب اصیلش] براق و کو مصحف امیر المؤمنین که بی تغییر و تبدیل جمع کرد؟

پس همه را حضرت مهدی حاضر گرداند حتی عصای آدم و نوح و ترکه هود و صالح و مجموعه ابراهیم و صاع یوسف و کیل و ترازوی شعیب و عصای موسی و تابوت موسی و زره داوود و انگشتری سلیمان و تاج او و اسباب عیسی و میراث جمیع پیغمبران پس حضرت مهدی علیه السلام عصای حضرت رسول را بر سنگ

ص: 95

صلبی نصب کند در ساعت درختی بزرگی شود که جمیع لشکر در زیر سایه او باشد.

پس حسنی گوید که الله اکبر! دست خود را دراز کن که با تو بیعت کنم ای فرزند رسول خدا! پس حضرت دست دراز کند که سید حسنی و جمیع لشکرش بیعت نمایند،

به غیر از چهل هزار نفر از زیدیه که با لشکر او باشند و مصحف ها در گردن حمایل کرده باشند. آنها گویند که اینها سحر بزرگ بود،

پس حضرت مهدی علیه السلام هر چند ایشان را پند دهد و معجزات نماید سودی نبخشد تا سه روز، پس فرماید که همه را به قتل رسانند.

سعود دهم: تکمله ذکر احادیث از اهل تسنن؛ (به طرق متفاوت)

مهدی علیه السلام از اولاد فاطمه سلام الله علیها است؛

ص: 96

از سنن ابن ماجه و ديگر علمای عامه؛ در (سنن ابن ماجه، كتاب الفتن، باب خروج المهدي عليه السلام) نقل می کند؛ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ الْمَلِكِ حَدَّثَنَا أَبُو الْمَلِيحِ الرَّقِّيُّ عَنْ زِيَادِ بْنِ يَإْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ نُقَيْلٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ قَالَ

كُنَّا عِنْدَ أُمِّ سَلْمَةَ فَتَذَاكُرْنَا الْمَهْدِيَّ فَقَالَتْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ-سَلَّمَ يَقُولُ الْمَهْدِيُّ مِنْ وَدِدِ فَاطِمَةَ

ام سلمه گوید نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودیم و ذکر مهدی علیه السلام شد؛ فرمود مهدی علیه السلام از اولاد فاطمه سلام الله علیها می باشد؛

** از سنن ابن ماجه از علمای عامه؛

باز در (سنن ابن ماجه، كتاب الفتن، باب خروج المهدي) نقل می کند؛ حَدَّثَنَا هَدِيَّةُ بْنُ عَبْدِ الْوَهَّابِ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ

ص: 97

عَبْدُ الْحَمِيدِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ زِيَادِ الْيَمَامِيِّ عَنْ عِكْرِمَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي طَلْحَةَ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ

سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ نَحْنُ وَآدَ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ سَادَةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَنَا وَحَمْزَةُ وَعَلِيٌّ وَجَعْفَرٌ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ
وَالْمُهَدِيُّ

انس بن مالک گوید از رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم شنیدم که فرمود؛

ما فرزندان عبدالمطلب سید اهل بهشت هستیم؛

من و حمزه و علی و جعفر و حسن و حسین و مهدی علیهم السلام؛

**نقل دیگر سنن ابن ماجه؛ باز در کتاب (سنن ابن ماجه، کتاب الفتن، باب خروج المهدي) نقل می کند؛ حَدَّثَنَا عُثْمَانُ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ
حَدَّثَنَا أَبُو دَاوُدَ الْحَفَرِيُّ حَدَّثَنَا

ص: 98

يَا سَيِّدَ بْنَ عَنِّ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنْفِيَّةِ عَنِ أَبِيهِ عَنِ عَلِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -سَلِمَ الْمَهْدِيُّ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ يُصَلِّحُهُ اللَّهُ فِي لَيْلِهِ

محمد حنفیه از پدر بزرگوارش امیرالمومنین علی بن ابی طالب علیهما السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که فرمود مهدی علیه السلام از ماست و در یک شب امرش اصلاح می شود و ذکرش گذشت؛

** نقل حدیث دیگر در سنن ابن ماجه؛

در (سنن ابن ماجه، کتاب الفتن، باب خروج المهدي) نقل می کند؛ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ أَحْمَدُ بْنُ يُونُسَ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّزَّاقِ عَنْ سَفْيَانَ الثَّوْرِيِّ عَنْ خَالِدِ الْحَدَّاءِ عَنْ أَبِي قَلَابَةَ عَنْ أَبِي أَسْمَاءَ الرَّحْبِيِّ عَنْ ثَوْبَانَ قَالَ

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -سَلِمَ-

ص: 99

يَقْتَتِلُ عِنْدَ كَنْزِكُمْ ثَلَاثَةَ كُلُّهُمْ ابْنُ خَلِيفِهِ ثُمَّ لَا يَصِيرُ إِلَى وَاحِدٍ مِنْهُمْ ثُمَّ تَطَّلَعُ الرَّايَاتُ السُّودُ مِنْ قَبْلِ الْمَسْرِقِ فَيَقْتُلُونَكُمْ قَتْلًا لَمْ يَقْتُلَهُ قَوْمٌ ثُمَّ
ذَكَرَ شَيْئًا لَا أَحْفَظُهُ

فَقَالَ إِذَا رَأَيْتُمُوهُ فَبَايِعُوهُ وَلَوْ حَبِوًّا عَلَى الثَّلَجِ فَإِنَّهُ خَلِيفَةُ اللَّهِ الْمَهْدِيُّ

که این حدیث در تکمیل احادیث سابق است که فرموده حبوا علی الثلج که این علامت خاص خروج حضرت مهدی علیه السلام و خود
ابن ماجه از مهدی علیه السلام تعبیر به خلیفه الله نموده است؛

** مهدی علیه السلام طبق نقل اهل تسنن از نسل امام حسین و از اولاد فاطمه سلام الله علیها است؛

در مشکات المصابیح و سنن ابی داود نقل شده است؛(1)

و عن أم سلمه قالت:

ص: 100

1- (مشکاه المصابیح 3ص 1501 حدیث 5453) (سنن ابی داود ج 3ص 310 حدیث 4283) (شیخ سلیمان قندوزی حنفی، ینابیع الموده
ج 3، باب 72)

سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يقول: المهدى من عترتى من أولاد فاطمه.

ام سلمه گوید از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم شنیدم فرمود مهدى عليه السلام از خاندان من و از فرزندان فاطمه سلام الله عليها است؛

نقل دیگر؛ باز اهل تسنن نقل می کنند که امیرالمومنین عليه السلام به امام حسين نظر کرد و فرمود؛(1)

قال على ونظر إلى ابنه الحسين ، قال : إن ابني هذا سيد كما سماه رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم و سيخرج من صلبه رجل يسمي باسم نبىكم ، يشبهه فى الخلق ، ولا يشبهه فى الخلق . ثم ذكر قصه ، يملا الارض عدلا

این فرزندم سید است آن گونه که رسول خدا او را سید نامید و از نسل او فرزندی که هم نام پیامبر شماست

ص: 101

1- (مشکاه المصابیح، ج3 ص1503، حدیث 5462) (سنن أبی داود، ج3 ص311، حدیث 4290) (شیخ سلیمان قندوزی حنفی، ینابیع الموده، ج3، باب 72)

خارج می شود که در خلقت شبیه اوست و در اخلاق مانند او نیست؛ سپس خبر پر کردن زمین از عدل و داد را بیان فرمود؛

**** نقل قتاده؛**

و نیز قتاده نقل می کند؛ (1) و حدیث قتاده قال: قلت لسعيد بن المسيب: أحق المهدى؟ قال: نعم هو حق، هو من أولاد فاطمه. قلت: من أي ولد فاطمه؟ قال: حسبك الآن

باز قتاده گوید؛ به سعید بن مسیب گفتم؛ آیا مهدی حق است؛ در جواب گفت؛ بلی مهدی حق است و از فرزندان فاطمه سلام الله علیها است؛ گفتم؛ از فرزندان فاطمه سلام الله علیها است؛ گفت؛ همین تو را کافی است؛ و در

ص: 102

1- (ینابیع الموده، ج 3، باب 73) (جواهرالعقدین، ج 2، ص 225-226)

خاتمه به حدیثی که مقدسی شافعی در عقد الدرر نقل کرده بسنده می کنیم؛

عن امیرالمومنین علی بن ابی طالب علیهما السلام قال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم: المهدی منا یتختم الدین بنا کما فتح بنا؛ (1)
اخرجه الحافظ ابوبکر البیهقی (2)

امیرالمومنین علی بن ابی طالب علیهما السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند؛ مهدی علیه السلام از ما است؛ دین به وسیله ما خاتمه می یابد ان گونه که با ما آغاز شده بود؛

و الحمد لله وحده

ص: 103

1- (عقد الدرر - ص 195) (شیخ سلیمان قندوزی حنفی، ینابیع الموده، ج 3، باب 73)

2- (عقد الدرر - ص 195)

سعود یازدهم: استحباب زیارت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه در هر زمان و مکان

در کتاب صحیفه مهدیه علیه السلام نقل شده است؛ [\(1\)](#)

علامه مجلسی رحمه الله می فرماید: زیارت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه همیشه و در همه جا مستحب است؛ و در سرداب مقدس (سامرا)، و نزد قبرهای اجداد پاکش صلوات الله علیهم اجمعین، از فضیلت و ارزش بیشتری برخوردار است. و نیز در زمان های شریف به خصوص شب میلادش یعنی نیمه شعبان (بنابر صحیح ترین روایات)، و شب قدر (که فرشتگان و روح در آن شب نزد آن حضرت می آیند) مناسبت بیشتری دارد. [\(2\)](#)

ص: 104

1- صحیفه ... ؛ ص 551

2- بحار الأنوار: 119 / 102.

در این جا روایتی را که این مطلب از آن استفاده می شود، نقل می کنیم:

سلیمان بن عیسی از پدرش روایت می کند که گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: هنگامی که نتوانم به زیارت شما بیایم و نزدتان حاضر شوم، چگونه شما را زیارت کنم؟

حضرت فرمود: ای عیسی؛ هنگامی که نتوانستی نزدم بیایی، در روز جمعه غسل کن یا وضو بگیر، و بر پشت بام خانه ات برو، و دو رکعت نماز بخوان، و به طرف من توجه کن (و زیارت بخوان)؛

زیرا هرکس در زمان زندگانیم مرا زیارت کند، گویا پس از رحلت مرا زیارت کرده است، و هرکس پس از وفاتم مرا زیارت کند گویا در زمان زندگانیم زیارتتم نموده است.

ص: 105

این خبر دلالت دارد بر این که زیارت امام زنده نیز به این شکل جایز است. لذا، این سند و دلیلی می باشد بر این که در هر مکانی که خواست امام قائم ارواحنا فداه را زیارت کند، رو به سوی سرداب مقدس کند و آن حضرت را زیارت نماید. (1)

شیخ بزرگوار جناب کفعمی رحمه الله می فرماید: مستحب است در هر مکان و زمانی، امام مهدی صلوات الله علیه زیارت شود، و برای تعجیل و سرعت بخشیدن به فرج آن حضرت نیز در هنگام زیارتش دعا شود.

البته زیارت آن بزرگوار در سرداب مقدس در شهر سر من رأی (سامرا) بیش تر مورد تأکید قرار گرفته است. (2)

ص: 106

1- بحار الأنوار: 366/101.

2- . البلد الأمين: 432.

و یکی از زیارات مختصر حضرت را از کتاب صحیفه مهدیه علیه السلام نقل می کنیم؛(1)

14 زیارت پنجم حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه

در کتاب «مصباح الزائر» زیارت دیگری نیز نقل شده است:

السلام علی الحق الجدید، و العامل الذی لا یبید(2)، السلام علی محیی المؤمنین، و مبیر الکافرین، السلام علی مهدی الامم، و جامع الکلم، السلام علی خلف السلف، و صاحب الشرف، السلام علی حجه المعبود، و کلمه المحمود، السلام علی معز الأولیاء، و مذل الأعداء، السلام علی وارث الأنبیاء، و خاتم الأوصیاء، السلام علی القائم المنتظر، و العدل المشتهر،

ص: 107

1- صحیفه ... ؛ ص 631

2- (1). در مزار شهید چنین آمده است: و العالم الذی علمه لا یبید؛ « و دانشمندی که دانشش کهنه نمی شود». (هامش از کتاب صحیفه است؛)

السلام على السيف الشاهر، والقمر الزاهر، السلام على شمس الظلام، و بدر التمام، السلام على ربيع الأنام، وفطره الأيام، السلام على صاحب الصمصام، [و] فلاق الهام، السلام على الدين المأثور، والكتاب المسطور

السلام على بقيه الله فى بلاده، و حجته على عباده، المنتهى إليه موارث الأنبياء، ولديه موجود اثار الأصفياء، المؤتمن على السر، و الولى للامم، المهدي الذي وعد الله عز و جل به الامم أن يجمع به الكلم، و يلم به الشعث، و يملأ به الأرض قسطا و عدلا، و يمكن له، و ينجز به وعد المؤمنين.

أشهد يا مولاي أنك و الأئمه من ابائك أئمتي و موالى فى الحياه الدنيا و يوم يقوم الأشهاد، أسألك يا مولاي أن

ص: 108

تسأل الله تبارك و تعالی فی صلاح شأنی، و قضاء حوائجی، و غفران ذنوبی، و الأخذ بیدی فی دینی و دنیای و آخرتی، لی و لإخوانی و إخوتی المؤمنین و المؤمنات كافة، إنک غفور رحیم. (1)

سلام بر حقیقت تازه، و عمل کننده ای که هرگز قدیمی نمی شود، سلام بر زنده کننده مؤمنان، و هلاک کننده کافران؛ سلام بر هدایت گر امت ها، و گردآورنده کلمات، سلام بر جانشین گذشتگان، و صاحب شرافت الهی؛

سلام بر حجت پروردگار و کلمه پسندیده و ستوده شده؛ سلام بر عزت بخش دوستان و خوارکننده دشمنان. سلام بر وارث پیامبران، و آخرین جانشینان، سلام بر قیام کننده مورد انتظار، و عدالت شهرت یافته، سلام بر شمشیر نمایان، و ماه تابان، سلام بر خورشید تاریکی ها و ماه

ص: 109

1- مصباح الزائر: 441، مزار شهید: 230.

کامل و تمام؛ سلام بر بهار انسان ها، و سرشت روزها، سلام بر صاحب شمشیر بران، و شکافنده سرها، سلام بر دین بجای مانده، و کتاب نگاشته شده. سلام بر باقی مانده حجت های خدا در سرزمین هایش، و حجت خداوند بر بندگانش؛ کسی که میراث پیامبران به او رسیده، و نشانه ها و آثار برگزیدگان نزد اوست، امین سر الهی است، و سرپرست امت هاست؛

همان مهدی که خداوند عزیز و بلندمرتبه به امت ها وعده داده است که به سبب او وحدت کلمه ایجاد می کند، و پراکندگی را بهم می آورد، و زمین را پر از عدل و داد می گرداند، و او را توانایی و قدرت می بخشد و وعده هایی را که به مؤمنان داده محقق می گرداند.

ای مولای من؛ گواهی می دهم که تو و امامان دیگر از پدران، پیشوایان من و سرپرستان حقیقی من در زندگی

ص: 110

دنیا و روز اقامه شهود (قیامت) هستید. از تو درخواست می‌کنم ای مولای من؛ تا از خداوند بلندمرتبه بخواهی که کارم را اصلاح کند و حاجت‌هایم را برآورد، و گناهانم را ببخشد، و دستم را در مورد دینم و دنیا و آخرتم بگیرد؛ برای من و تمام برادران و خواهران مؤمنم، این کارها را انجام دهد. همانا تو بخشنده‌ای مهربان هستی.

سپس نماز زیارت را که در زیارت اول بیان شد به جای آور - (1) سپس دوازده رکعت نماز (شش نماز دو رکعتی)، در همان جایی که هستی بجا می‌آوری، و در آن هر سوره‌ای که خواسته باشی قرائت نموده و ثوابش را به آن حضرت ارواحنا فداه هدیه می‌کنی. و پس از سلام هر دو رکعت نماز، تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را انجام داده، سپس می‌گویی:

ص: 111

اللهم أنت السلام و منك السلام، و إليك يعود السلام، حيناً ربنا منك بالسلام.

اللهم إن هذه الركعات هديه مني إلى وليك و ابن وليك و ابن أوليائك، الإمام بن الأئمة، الخلف الصالح، الحجة صاحب الزمان، فصل على محمد و آل محمد، و بلغه إياها، و أعطني أفضل أُملي و رجائي فيك و في رسولك، صلواتك عليه و على اله أجمعين و فيه. (1)

بارالها؛ تو، سلام هستی، و سلام و سلامتی، تنها از توست، و سلام به سوی تو برمی گردد؛ پروردگار ما؛ سلامی از خودت، به ما هديه کن. بارالها؛ این چند رکعت نماز، هديه ای از جانب من به ولی و دوست تو و فرزند ولایت و فرزند اولیای راستینت است؛

ص: 112

1- مصباح الزائر: 418.

همان پیشوایی که فرزند پیشوایان دین است، جانشین شایسته، حضرت حجت و صاحب زمانه می باشد. پس، بر محمد و آل محمد درود بفرست؛

و این نمازها را به آن حضرت برسان؛ و به من نیز برترین آرزو و امیدم به تو و رسولت و امام زمان؛ را عطا کن؛ درودهای بی کران تو بر حضرت رسول و تمام آل او نثار باد. - و پس از آن بگو:

اللهم صل على حجتك في أرضك، و خليفتك في بلادك، الداعي إلى سبيلك، و القائم الصادع بالحكمه، و الموعظه الحسنه و الصدق، و كلمتك و عيبتك و عينك في أرضك

المترب الخائف، الولي الناصح، سفينه النجاه، و علم الهدى، و نور أبصار الورى، و خير من تقمص و ارتدى، و

ص: 113

الوتر الموتر، و مفرج الكرب، و مزيل الهم، و كاشف البلوى.

صلوات الله عليه و على ابائه الأئمة الهادين، و القاده الميامين، ما طلعت كواكب الأسحار، و أورقت الأشجار، و أينعت الأثمار، و اختلف الليل و النهار، و غردت الأطيوار. اللهم انفعنا بحبه، و احشرنا فى زمرة و تحت لوائه، إله الحق امين رب العالمين. (1)

بارالها؛ درود فرست بر حجت در روی زمینت، و جانشینت در سرزمین هایت، فراخوان مردم به طرف راحت، قیام کننده ای که آشکارکننده (دین تو) با حکمت و موعظه نیکو و راستگویی است.

او که کلمه، محل راز، و چشم تو در زمینت است و چشم به راهی ترسان است، و سرپرستی خیرخواه، کشتی

ص: 114

1- مصباح الزائر: 442.

نجات، و نشانه هدایت، و نور چشمان مردم، و بهترین کسی که لباس و عبا پوشیده، و خون خواه کسی که انتقامش گرفته نشده، و از بین برنده غم، و زداینده اندوه، و برطرف کننده بلاست؛

صلوات خدا بر او و پدرانش که امامانی هدایت گر و فرمانروایانی فرخنده هستند، باد؛

تا آن زمان که ستارگان سحری طلوع می کنند، و درختان برگ می دهند، و میوه ها می رسند و قابل چیده شدن می گردند،

و شب و روز یکی پس از دیگری در رفت و آمدند، و پرندگان نغمه سرایی و آواز خوانی می کنند.

بارالها؛ ما را به دوستی او بهره مند گردان، و ما را در زمره او و زیر پرچمش محشور کن؛ ای خدای حق و ای پروردگار جهانیان؛ اجابت کن؛

ص: 115

قرآن کریم؛

جلاء العیون: تاریخ چهارده معصوم علیهم السلام؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی؛ علامه مجلسی؛

إحقاق الحق و إزهاق الباطل؛ شهید ثالث؛ قاضی نورالله شوشتری؛

کتاب رجعت؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی؛ علامه مجلسی؛

ینابیع الموده لذوی القربی؛ سلیمان بن ابراهیم، قندوزی؛

الفتن (ابن حماد)، نعیم بن حماد؛

دار السلام در احوالات حضرت مهدی علیه السلام؛ شیخ محمود بن جعفر عراقی؛

کفایه المهتدی فی معرفه المهتدی (علیه السلام) "اربعین میر لوحی قدس سره؛ میرلوحی سبزواری، محمد بن محمد؛

کمال الدین و تمام النعمه؛ ابن بابویه، محمد بن علی؛ شیخ صدوق؛

صحیفه مهدیه علیه السلام؛ سید مرتضی مجتهدی سیستانی؛

نهج الفصاحه؛ کلمات قصار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم؛ ابو القاسم پاینده؛

عقد الدرر فی أخبار المنتظر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)؛ یوسف بن یحیی، مقدسی شافعی سلمی؛

سنن ترمذی؛ ابو عیسی محمد بن عیسی ترمذی جیحونی؛

مشکات المصابیح؛ ولی الدین الخطیب العمری؛

سنن ابی داود؛ ابوداود سلیمان بن اشعث سجستانی؛

جواهر العقدين؛ علی بن عبد الله السمهودی الشافعی؛

سنن ابن ماجه؛ ابو عبدالله محمد بن یزید ربیع قزوینی



السلام عليكم يا اهل بيت النبوه

عجل الله فرجكم

واجعلنا من حزبكم وارضاكم عنا

و مكننا في دولتكم

اين مطلب توسط

گروهی از فضلاى حوزه علمیه قم و

محققین علوم دینی تهیه و گرد آوری شده است

قم المقدسه - نشر خورشید علم

هفدهم ربیع الاول 1442

09170241826

□

09945310697

Nashrekhurshideelm@yahoo.com

ص: 118

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

